



جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

مدرسه علمیه ی فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) شهرستان آبادان

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان

آثار تهاجم فرهنگی بر جامعه اسلامی

استاد داور:

آقای عبدالرضا آقاجری

استاد راهنما:

سرکار خانم معصومه یارشرفی

پژوهشگر:

حنان آلبوغیش

تابستان ۱۳۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه ی فاطمه الزهرا (سلام الله عليها) شهرستان آبادان

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان

آثارتهاجم فرهنگی برجامعه اسلامی

استاد داور:

آقای عبدالرضا آقاجری

استاد راهنما:

سرکار خانم معصومه یارشرفی

پژوهشگر:

حنان آلبوغیش

تابستان ۱۳۹۶

تحمیدیه

« الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ فَلَا شَيْءَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ فَلَا شَيْءَ بَعْدَهُ، وَالظَّاهِرِ فَلَا شَيْءَ فَوْقَهُ، وَالْبَاطِنِ فَلَا شَيْءَ دُونَهُ »

سپاس خدا را که اول است، و چیزی پیش از او وجود نداشت، و آخر است و پس از او موجودی نخواهد بود، چنان آشکار است که فراتر از او چیزی نیست، و چنان مخفی و پنهان است که مخفی تر از او یافت نمی شود.

«نهج البلاغه خطبه ۹۶»

تقدیمیه

تقدیم به خورشید عالم تاب، که از پس پرده غیب با شعاع نورانی خود، آرامش بخش جانهای بی قرار و زنده کننده ی دلهای مرده است.

تقدیر و تشکر

با سپاس فراوان از تمامی اساتید و کادر پژوهش و به خصوص استاد راهنما که در تمامی مراحل تحقیق مرا یاری نمودند.

چکیده

موضوع تحقیق آثار تهاجم فرهنگی بر جامعه ی اسلامی می باشد. ضرورت انجام این تحقیق این است که دشمنان با استفاده از تکنولوژی و امور فرهنگی در صدد تسلط بر ملل مسلمان برآمدند. هدف، شناخت عوامل و زمینه های پیدایش تهاجم فرهنگی و پیامدهای آن و همچنین راه های مقابله با آن انجام شده است. روش جمع آوری مطالب، کتابخانه ای (فیش نویسی) است. امروزه تهاجم فرهنگی بخش مهمی از فعالیت های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای استعماری را تشکیل می دهد. با تغییر ارزش های یک جامعه به نفع دولت مهاجم، آحاد جامعه ی هدف بدون آنکه بدانند به سربازان دشمن تبدیل می شوند و دشمن به راحتی می تواند بر آن جامعه مسلط شود. برای حل این مسئله راهکارهایی از قبیل معرفی الگوی مناسب به جوانان، تقویت بصیرت و بینش سیاسی و حذف باورهای غلط غربی و ... ارائه گردید.

کلیدواژه : فرهنگ، بصیرت ، براندازی، تهاجم فرهنگی، هویت.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱۲
بخش اول: کلیات تحقیق	
فصل اول: مباحث مقدماتی	۱۴
۱. تعریف و تبیین موضوع:	۱۵
۲. اهمیت و ضرورت موضوع:	۱۶
۳. اهداف و فواید تحقیق:	۱۶
۴. پیشینه ی موضوع تحقیق:	۱۷
۵. سؤالات تحقیق:	۱۷
۶. فرضیه تحقیق:	۱۸
۷. پیش فرض های تحقیق:	۱۸
۸. مفاهیم و متغیرها	۱۸
۹- روش تحقیق:	۱۹
۱۰- ساختار تحقیق:	۱۹

۲۱	۱۱- مشکلات و موانع تحقیق:
۲۲	فصل دوم: مفهوم شناسی
۲۳	تعریف لغوی براندازی
۲۳	تعریف اصطلاحی براندازی
۲۴	مفهوم اصطلاحی فرهنگ
۲۵	مفهوم لغوی بصیرت
۲۶	مفهوم لغوی هویت
۲۷	تهاجم فرهنگی

بخش دوم: بررسی علل آسیب پذیری فرهنگی

۳۰	فصل اول: عوامل و زمینه های پیدایش تهاجم فرهنگی
۳۱	مقدمه
۳۳	گفتار دوم: عوامل موثر در پیدایش تهاجم فرهنگی
۳۳	۲-۱- بی توجهی نسبت به فرهنگ خودی
۳۳	۲-۲- خودباختگی فرهنگی
۳۴	۲-۳- رفاه طلبی و تجمل گرایی
۳۴	۲-۴- عقب ماندگی علمی و صنعتی
۳۵	۲-۵- بی لیاقتی سران حکومت ها
۳۵	۲-۶- احساس ناکارآمدی نظام اقتصادی از سوی مردم
۳۶	۲-۷- دور شدن مسلمانان از تعالیم دینی
۳۷	گفتار سوم: زمینه های پذیرش فرهنگی
۳۷	۳-۱- زمینه های تربیتی، روانی و خانوادگی

- ۳-۲- احساس حقارت..... ۳۹
- ۳-۳- عدم مقبولیت و محبوبیت..... ۴۰
- ۳-۴- بی هدفی و بی ثمری..... ۴۱
- ۳-۵- تأثیر از محیط بین الملل..... ۴۲

نتیجه: ۴۲

فصل دوم: ویژگی ها و مبانی تهاجم فرهنگی ۴۳

مقدمه..... ۴۴

گفتار اول: ویژگی های تهاجم فرهنگی ۴۴

- ۱-۱- تغییر قالب های ماهوی جامعه و ساختار سیاسی..... ۴۴
- ۱-۲- نمادساز..... ۴۴
- ۱-۳- نامرئی و نامحسوس..... ۴۵
- ۱-۴- تضاد آفرین..... ۴۶
- ۱-۵- به ظاهر رسمی و قانونی..... ۴۶
- ۱-۶- دراز مدت و دیرپا بودن..... ۴۷
- ۱-۷- نوجوانان و جوانان هدف تهاجم فرهنگی..... ۴۷
- ۱-۸- هدفمند و برنامه ریزی شده..... ۴۷
- ۱-۹- بهره گیری از ادبیات مردم پسند..... ۴۸
- ۱-۱۰- نشانه رفتن به فرهنگ..... ۴۸
- ۱-۱۱- عدم برانگیختن حساسیت مخاطبان..... ۴۸

گفتار دوم: مبانی تهاجم فرهنگی ۴۹

- ۲-۱- برنامه ریزی..... ۴۹
- ۲-۲- شناخت مخاطب..... ۴۹
- ۲-۳- مدیریت زمان..... ۵۰
- ۲-۴- اصل هدف..... ۵۱
- ۲-۵- جوانگرایی..... ۵۱

۵۲..... ۲-۶- گسستن پیوند مردم با دین رهبری

۵۲..... نتیجه:

۵۳..... فصل سوم: ابزارهای تهاجم فرهنگی

۵۴..... مقدمه

۵۴..... گفتار اول: پیامدهای منفی ماهواره در ابعاد مختلف

۵۶..... گفتار دوم: مطبوعات

۵۹..... گفتار سوم: رسانه

۵۹..... ۳-۱- تاثیر تلویزیون در ایجاد مفسد اخلاقی

۶۲..... ۳-۲- رادیو

۶۴..... گفتار چهارم: رایانه

۶۴..... ۴-۱- اینترنت

۶۶..... ۴-۲- بررسی اثرات فرهنگی - اجتماعی بازی ها

۷۰..... گفتار پنجم: شیوه ها و روش های تهاجم فرهنگی

۷۰..... ۱- ۵- ایجاد بدبینی نسبت به فرهنگ و آداب و رسوم جوامع مورد هجوم

۷۱..... ۲- ۵- ایجاد بدبینی بین مردم نسبت به علمای دین

۷۱..... ۳- ۵- ایجاد فاصله و جدایی بین مردم و مسئولین

۷۲..... ۴- ۵- تحقیر مفاخر ملی و بی اعتنا کردن مردم نسبت به گذشته و تاریخ خود

۷۳..... ۵- ۵- رواج فساد و فحشا به خصوص در بین جوانان

۷۵..... ۶- ۵- شایعه پراکنی

۷۶..... ۷- ۵- ترور

بخش سوم:

بررسی پیامدهای تهاجم فرهنگی و ارائه راهکارهای مقابله با آن

فصل اول: پیامدهای تهاجم فرهنگی ۷۹

مقدمه ۸۰

گفتار اول پیامدهای اجتماعی تهاجم فرهنگی ۸۰

۱-۱- ناتوی فرهنگی ۸۰

۱-۲- ترویج فرهنگ ابتذال و تضعیف دین ۸۱

۱-۳- متزلزل کردن بنیان خانواده ۸۱

۱-۴- بی حجابی ۸۲

۱-۵- ایجاد تغییر در باورها ۸۳

۱-۶- ایجاد تغییر در رفتار ۸۳

۱-۷- گسترش مواد مخدر ۸۳

۱-۸- فرار مغزها ۸۴

۱-۹- گسترش اسلام آمریکایی و کم رنگ شدن اسلام حقیقی ۸۵

۱-۱۰- ترویج پوچ گرایی ۸۶

گفتار دوم: پیامدهای اقتصادی تهاجم فرهنگی ۸۸

۲-۱- مصرف گرایی ۸۸

۲-۲- وابستگی اقتصادی ۹۰

۲-۳- ترویج مدگرایی یا آسیب به تولیدات داخلی ۹۱

گفتار سوم: پیامدهای سیاسی تهاجم فرهنگی ۹۲

۳-۱- سکولاریسم ۹۲

۳-۲- تحقیر سیاسی ملت ها ۹۳

۳-۳- بحران مشروعیت ۹۴

۳-۴- بحران مشارکت ۹۵

- ۳-۵- دشمن به دنبال اباحی گری و زیر سؤال بردن اصل اعتبار انقلاب، است. ۹۵
- ۳-۶- هدف تقابل اعتقادی غرب، گرفتن علاقه و ایمان، از نظام، است. ۹۶
- ۳-۷- فرهنگ تابعیت طاغوت. ۹۶
- ۳-۸- سیاست گریزی نسل جوان. ۹۷
- ۳-۹- فساد در سیاست. ۹۷
- ۳-۱۰- جدایی ملت ها. ۹۸

نتیجه: ۹۸

فصل دوم: راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی. ۹۹

مقدمه. ۱۰۰

گفتار اول: راهکار اجتماعی. ۱۰۰

- ۱-۱- راهکارهای دفاعی. ۱۰۰
- الف: فرهیختگان. ۱۰۰
- ب. عموم مردم. ۱۰۱
- ۱-۲- بسیج عمومی و آموزش دینی. ۱۰۱
- ۱-۳- احیای جلسات مذهبی. ۱۰۲
- ۱-۴- برخورد دوستانه و محبت آمیز با جوانان. ۱۰۳
- ۱-۵- گسترش امر به معروف و نهی از منکر. ۱۰۳
- ۱-۶- معرفی الگوهای مناسب به جوانان. ۱۰۴

گفتار دوم: راهکار سیاسی. ۱۰۵

- ۲-۱- اتحاد مردم در مقابل مخالفان انقلاب و استقلال کشور. ۱۰۵
- ۲-۲- تقویت بصیرت و بینش سیاسی. ۱۰۶
- ۲-۳- هجوم فرهنگی بر ضد فرهنگ غرب. ۱۰۷
- ۲-۴- تقویت هویت ملی و پرهیز از اختلافات قومی و مذهبی. ۱۰۷
- ۲-۵- شناخت عمیق تهاجم فرهنگی و برنامه ریزی برای مقابله با آن. ۱۰۸

۱۰۹ ۲-۶- حذف باورهای غلط غربی

۱۰۹ گفتار سوم : راهکار اقتصادی

۱۱۰ ۳-۱- اصلاح الگوی مصرف

۱۱۱ ۳-۲- حمایت از قشرهای محروم و کم در آمد

۱۱۲ ۳-۳- تولید محصولاتی که قابلیت رقابت در بازارهای جهانی را داشته باشند

۱۱۲ ۳-۴- تکیه بر متفکران و اقتصاد دانان داخلی

۱۱۳ نتیجه کلی

۱۱۴ فهرست منابع:

مقدمه

فرهنگ که فرآیندی از آداب و رسوم است تأثیر غیر قابل تردیدی بر چگونگی زندگی اجتماعی و ملی ملت ها دارد، به عبارت دیگر، فرهنگ هرملتی ریشه در اعتقادات، طرزتلقی ها و نوع نگرش آنها به جهان دارد. امروزه با پیشرفت سریع تکنولوژی و علم و صنعت این امکان برای مستکبران فراهم آمده است که برای دستیابی به اهداف شوم و توسعه ی سلطه ی خود در تمام شوؤن زندگی ملت های گوناگون در سراسر دنیا دخالت کنند و با گسترش شبکه های مدرن و پیچیده ی ارتباطی فضای فکری، اعتقادی و فرهنگی ملت ها را لجن مال کنند و با ایجاد جو مسموم فکری و فرهنگی مانع هرگونه بیداری، ابتکار و استقلال طلبی در میان مردم فقرزده و دربند کشورهای مورد هجوم شوند. انقلاب اسلامی ایران در رأس این حملات ناجوانمردانه واقع گردیده است؛ آنچنان که مقام معظم رهبری فریاد برمی آورند که کاری که امروزه دشمن از لحاظ فرهنگی انجام می دهد نه یک تهاجم فرهنگی بلکه شبیخون فرهنگی است.

«وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»

حنان آلبوغیش

تابستان ۱۳۹۶

بخش اول

کلیات تحقیق

فصل اول:

مباحث مقدماتی

۱. تعریف و تبیین موضوع:

تهاجم، واژه‌ی عربی از ریشه «هجم» به معنای حمله ور شدن است و «فرهنگ» کلمه‌ای فارسی بوده و از دو جزء «فر» به معنای شکوه و «هنگ» از ریشه‌ی اوستایی سنگ، به معنای کشیدن و سنگینی تشکیل شده است.

مقام معظم رهبری تهاجم فرهنگی را اینگونه تعریف می‌کنند: «مجموعه‌ی زنجیره‌ای به هم پیوسته رسانه‌های گوناگون و اینترنت، ماهواره، تلویزیون و ... که در جهت مشخص، حرکت می‌کنند تا سر رشته‌ی تحولات جوامع را بر عهده گیرند. اینان صهیونیست‌ها و سرمایه‌داران هستند و عمدتاً هم در آمریکا و اروپا زندگی می‌کنند.» دشمنان حکومت اسلامی همواره در صدد بر اندازی دین بودند، و برای این کار بیشتر به شیوه‌های تهدید نظامی علیه حکومت، موفقیت و سلطه بر جامعه اسلامی نخواهند بود به همین دلیل برای اجرای اهداف شوم و شیطانی خویش، به جنگ نرم روی آوردند. با توجه به گسترش تکنولوژی و ارتباطات، این شیوه مؤثر واقع شد و تا حدودی توانست ارزش‌های فکری و عقیدتی مسلمانان را تغییر دهد و تهت سلطه خود در آورد که انعکاس آن را می‌توان در قالب بی‌حجابی افراد و رواج موسیقی‌های مبتذل و... مشاهده کرد.

آنچه در این تحقیق مد نظر است: الف) ماهیت تهاجم فرهنگی ب) ابزاری که دشمن برای ضربه زدن به جامعه‌ی اسلامی از آن بهره می‌گیرد از جمله ماهواره، اینترنت،...

ج) آثاری که دشمن از طریق تهاجم فرهنگی بر جامعه اسلامی می گذارد و راه های مقابله با آن، می باشد.

۲. اهمیت و ضرورت موضوع:

توسعه فناوری و اطلاعات، جهان امروز را کوچک و کوچک تر کرده است. دشمن نیز برای پیشبرد اهداف خویش، بدون اجازه گرفتن از حکومت ها و مردم، از طریق ماهواره، اینترنت و کابل های خصوصی و غیر خصوصی، وارد شهرها و منازل شده تا مردم را از تعلقات ملی میهنی و فرهنگی خارج کند و از این طریق، اقتدار حکومت اسلامی را از بین ببرد. اگر نفوذ دشمن همچنان گسترش یابد به تدریج تعلقات میهنی و ملی گرایی از بین می رود و این خطر بسیار بزرگی است. بنابراین برای حفظ استقلال فکری و فرهنگی و حفظ آداب و رسوم و اقتدار حکومت، باید آثار این تهاجم مورد بررسی قرار گیرد تا بهترین شیوه مقابله با آن، شناخته گردد و اصلاح جامعه محقق شود.

۳. اهداف و فواید تحقیق:

آشنایی با علل و زمینه های پیدایش تهاجم فرهنگی و نحوه پذیرش آن از جانب کشور مورد هجوم و همچنین شناخت ویژگی های تهاجم فرهنگی و ابزار های مورد استفاده دشمن و آگاهی از آثار این تهاجم و در نهایت فراگیری روش های مقابله با آن که منجر به مصون ساختن افراد جامعه از تأثیرات جنگ روانی دشمن می گردد.

۴. پیشینه ی موضوع تحقیق:

در زمینه ی تهاجم فرهنگی، کتب و مقالات متعددی نگاشته شده از جمله کتاب «شبیخون فرهنگی از آقای احمد طهماسبی» در این کتاب به صورت اجمالی در مورد جوانب مختلف جنگ نرم از جمله عوامل و زمینه های پذیرش جنگ نرم، عوامل موفقیت دشمن، ویژگی های جنگ نرم و آثار آن بحث شده است.

کتاب تهاجم فرهنگی نوشته ی آقای محمد تقی مصباح یزدی که در مورد تاریخچه پیدایش جنگ نرم و ویژگی ها و آثار جنگ نرم از جمله آثار اجتماعی آن بحث به میان آمده است. کتاب مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی از آقای عباس فیروزی، که در این کتاب نیز علاوه بر ویژگی های جنگ نرم درمورد مبانی آن نیز توضیحاتی داده شده است. کتاب قاب جادو نوشته ی مریم رضایی و فریده پیشوایی که درمورد تلویزیون و آثار آن که یکی از ابزار تهاجم فرهنگی است مورد بحث و بررسی قرار داده است در این تحقیق سعی بر آن است که با استفاده از این کتب و منابع دیگر، جمع بندی مباحثی در زمینه تهاجم فرهنگی و آثار آن بر جامعه اسلامی، داشته باشیم.

۵. سؤالات تحقیق:

الف) سوال اصلی :

آثار تهاجم فرهنگی بر جامعه اسلامی چیست؟

ب) سؤالات فرعی:

۱- علل آسیب پذیری فرهنگی چیست؟

۲- پیامد های تهاجم فرهنگی و راهکارهای مقابله با آن چیست؟

۶. فرضیه تحقیق:

فرهنگ اسلامی، با کارکرد ها و ارائه ی الگوی مطلوب، نقش مهمی در سعادت و سیادت انسان ایفا می کند. ضعف در معرفی صحیح این فرهنگ، از مهم ترین عوامل زمینه ساز تهاجم فرهنگی است.

۷. پیش فرض های تحقیق:

- ۱- تهاجم فرهنگی، پیامدهای ناگواری بر جامعه اسلامی بر جای می گذارد.
- ۲- با شناخت جوانب مختلف تهاجم فرهنگی و ابزار آن، می توان با دشمن مقابله کرد.
- ۳- تهاجم فرهنگی می تواند باعث براندازی حکومت مورد هدف، گردد.

۸. مفاهیم و متغیرها

متغیر مستقل:

متغیر وابسته: تهاجم فرهنگی، فرهنگ، بصیرت، هویت ،

تهاجم فرهنگی: تفکر جمعی یک جامعه که در پدیده ها و رفتارهای اجتماعی تجلی می یابد و تمامی امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، مادی و معنوی را، متأثر می سازند.

فرهنگ: مجموعه دستاوردهای ذهنی جامعه که شامل دانش، اخلاق، آداب و اموری که از آن سرچشمه می گیرد، گفته می شود.

بصیرت: بصیرت به معنای فهم و درک عمیق است که زمینه تشخیص حق از باطل و انتخاب راه درست از نادرست را برای انسان فراهم می کند.

هویت: به تصویری از خصوصیات فردی و تمایز مربوط می شود که توسط یک بازیگر حفظ و القا شده و به واسطه روابط با دیگران شکل گرفته اند و در طول زمان اصلاح شده اند.

۹- روش تحقیق:

کتابخانه ای و به صورت فیش برداری و بکارگیری منابع و سایت های معتبر بوده است.

۱۰- ساختار تحقیق:

بخش اول: کلیات تحقیق

فصل اول: مباحث مقدماتی

فصل دوم: مفهوم شناسی؛

بخش دوم: بررسی علل آسیب پذیری فرهنگی

فصل اول: عوامل و زمینه های پیدایش تهاجم فرهنگی

گفتار اول: تاریخچه تهاجم فرهنگی علیه ملت ایران

گفتار دوم: عوامل مؤثر در پیدایش تهاجم فرهنگی

گفتار سوم: زمینه های پذیرش تهاجم فرهنگی

فصل دوم: ویژگی ها و مبانی تهاجم فرهنگی

گفتار اول: ویژگی های تهاجم فرهنگی

گفتار دوم: مبانی تهاجم فرهنگی

فصل سوم: ابزارهای تهاجم فرهنگی

گفتار اول: پیامدهای منفی ماهواره در ابعاد مختلف

گفتار دوم: مطبوعات

گفتار سوم: رسانه

الف: تأثیر تلوزیون در ایجاد مفاسد اخلاقی

ب: رادیو

گفتار چهارم: رایانه

الف: اینترنت

ب: بررسی اثرات فرهنگی_ اجتماعی بازی ها

گفتار پنجم: شیوه ها و روش های تهاجم فرهنگی

بخش سوم: بررسی پیامدهای تهاجم فرهنگی و ارائه راهکارهای مقابله با آن

فصل اول: پیامدهای تهاجم فرهنگی

گفتار اول : پیامدهای اجتماعی تهاجم فرهنگی

گفتار دوم : پیامدهای اقتصادی تهاجم فرهنگی

گفتار سوم : پیامدهای سیاسی تهاجم فرهنگی

فصل دوم : راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی

گفتار اول: راهکار اجتماعی

گفتار دوم: راهکار سیاسی

گفتار سوم : راهکار اقتصادی

۱۱- مشکلات و موانع تحقیق: کمبود منابع معتبر

فصل دوم:

مفهوم شناسی

مفهوم شناسی

تعریف لغوی براندازی

- ۱- از میان بردن، نابود کردن
- ۲- رسم و عاداتی را از بین بردن
- ۳- منقرض کردن، (پادشاهی، دولت سلسله)^۱

تعریف اصطلاحی براندازی

یکی از مفاهیم اساسی در رابطه با جنگ نرم، مفهوم براندازی است. براندازی عبارت است از تغییر نظام سیاسی حاکم بر یک کشور و ایجاد تغییر و تحول اساسی در باورهای اصلی یک نظام، که گاهی از طریق اعمال رفتار خشونت آمیز از قبیل کودتا و ترور، تحمیل جنگ و نظایر آن با حذف حاکمان از صحنه سیاسی کشور صورت میگیرد و گاهی نیز تغییر نظام سیاسی یک کشور از طریق مسالمت آمیز و با اجرای برنامه حساب شده و دراز مدت برای نفوذ در ارکان سیاسی یک نظام قابل اجراست.^۲

نتیجه هردو اقدام به تغییر نظام سیاسی و در نهایت، براندازی منجر می شود. براندازی شیوه های متنوعی دارد. همانگونه که گفته شده تعدادی از آنها به تغییر نظام سیاسی یک کشور از طریق مسالمت آمیز و اجرای برنامه های مدون بر پایه اقدامات نرم دلالت دارد. از جمله این شیوه می توان به براندازی نرم، انقلاب های مخملی، کودتا و... اشاره کرد. یکی از بارزترین

^۱ محمد، معین، فرهنگ فارسی (ج ۱) چاپ ۲۵، تهران، انتشارات امیر کبیر، ص ۴۹۶

^۲ مهسا، ماه پیشانیان، بسترهای اجتماعی و فرهنگی در جنگ نرم، شماره ۵۰، بهار ۹۰، ص ۱۹

روش های براندازی که به طور مستقیم با امنیت نرم در تقابل است، براندازی نرم است. براندازی نرم عبارت است از: اغوا، غافلگیری، کنترل اراده، تحریف و سازماندهی عمومی مردم در راستای تغییر ساختار و رفتار حاکمیت مبتنی بر قدرت نرم (ارتباطات و تبلیغات) در فرآیند تدریجی نمادین و غیر خشونت آمیز. این نوع براندازی چندی است به وسیله کشور های غربی به خصوص امریکا مورد استفاده قرار میگیرد.

در براندازی نرم، افراد و گروه ها با استفاده از روشهای مختلف اعتراضی، مانند بیانیه های رسمی، اقدامات دسته جمعی نمادین، ایجاد فشار بر دولت، راهپیمایی های مردمی و... حکومت را تحت فشار گذاشته، در صدد سرنگونی آن برآیند^۱.

مفهوم لغوی فرهنگ

۱- ادب

۲- دانش، علم، معرفت

۳- مجموعه ی آداب و رسوم: « و فرهنگ شاهان و مهتران و فرزنانگان و کارساز پادشاهی^۲... »

مفهوم اصطلاحی فرهنگ

فرهنگ از یک سلسله روشها و زمینه ها متأثر است که آن روشها و زمینه ها، افراد جامعه را به هم می پیوندد و در رفتار و کردار و روابط اجتماعی آنها منعکس می شود. بعضی ها فرهنگ را مترادف با شخصیت آورده اند و گفته اند فرهنگ عبارتست از کوشش هر اجتماع

^۱ . همان

^۲ . محمد، معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، چاپ ۲۵، تهران موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸، ص ۲۵۳۸

انسانی برای رسیدن به غناء شخصیت. یا گفته اند فرهنگ به معنای تمام خلاقیت های ذهنی و مظاهر و تظاهرات اجتماعی و فردی (چون رفتار و گفتار و کردار و شیوه ی سخن گفتن و خوراک و پوشاک و آداب و رسوم و اندیشه ها و عقاید و آثار هنری) یک کشور است.^۱

مفهوم لغوی بصیرت

معنای لغوی بصیرت:

۱- بینش، بینایی

۲- روشن بینی

۳- دانایی

۴- زیرکی، هوشیاری

۵- یقین

۶- حجت روشن، برهان قاطع

۷- عبارت است از قوه قلبی که به نور قدس روشن شده باشد و با آن قوه شخص حقایق و بواطن اشیا را ببیند همانطور که نفس بوسیله چشم، صور و ظاهر اشیا را می بیند.^۲

معنای اصطلاحی بصیرت

بصیرت به معنای روشن بینی و روشن دلی است. بصر چشم سر است و بصیرت چشم دل. بصیرت به معنای فهم و درک عمیق است که زمینه ی تشخیص حق از باطل و انتخاب راه درست از نادرست را برای انسان فراهم می کند. انسان با بصیرت و آینده نگر، دارای چشم

^۱ . امیرحسین، فرزانه، مجله تهاجم فرهنگی یا تهاجم ناهنجاری های اجتماعی؟، شماره ۷۶، خرداد ۷۶، ص ۲۰

^۲ . محمد، معین، فرهنگ فارسی، ج ۱. چاپ ۲۵، تهران موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸، ص ۵۴۶

انداز روشن تر و موضع نزدیک به حق و یا همگرا با حق است؛ اما انسان بی بصیرت در حرکت دچار انحراف و اشتباه می شود. در کلام امیرالمومنین (علیه السلام) آمده است: «فقد البَصَرُ أَهْوَنُ مِنْ فَقْدَانِ الْبَصِيرَةِ».

فقدان بصر به مراتب تحملش آسان تر است از فقدان بصیرت. کسی که چشم نداشته باشد با کمک عصا و دست به دیوار بلاخره زندگی را جمع و جور می کند اما کسی که بصیرت نداشته باشد به چاه هایی می افتد که بیرون آمدنش بسیار مشکل است.^۱

مفهوم لغوی هویت

الهویّه (هو): حقیقت یک چیز یا یک شخص، هویت، منسوب به هو است.^۲

مفهوم اصطلاحی هویت

هویت چند جنبه دارد، تعریف آن دشوار بوده و در بسیاری از روشهای معمولی اندازه گیری، نمی گنجد. با فرض اجتناب ناپذیر بودن هویت، چگونه می توان آن را تعریف کرد؟ اندیشمندان پاسخ های گوناگونی می دهند که به هر حال حول یک مضمون اصلی قرار دارند. هویت یک احساس فردی یا گروهی از خود بود و محصول خدا گاهی است بدین معنی که من یا ما از خصوصیات متمایزی برخورداریم.

یک کودک می تواند در آغاز تولد عناصر هویت را در چهارچوب نام، جنسیت، خانواده و شهروندی داشته باشد. هر چند این موارد تا زمانی که کودک از آن ها آگاهی نیافته و آنها را در

^۱ . جمعی از نویسندگان اداره سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بصیرت پاسداری، چاپ اول، مرکز چاپ حوزه نمایندگی ولی

فقیه در سپاه، دی ماه ۱۳۸۷، ص ۶

^۲ . محمد، بندر ریگی، فرهنگ بندر ریگی، ج ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی، سال ۱۳۷۸، ص ۲۳۳۶

چارچوب خودشان تعریف نکند، بخشی از هویت عمو محسوب نمی شوند. همانگونه که گروهی از اندیشمندان تعریف کرده اند، هویت به تصویری از خصوصیات فردی و تمایز (خود محوری) مربوط می شود که توسط یک بازیگر حفظ و القا شده و به واسطه روابط با دیگران شکل گرفته اند و در طول زمان اصلاح شده اند.^۱

تهاجم فرهنگی

تهاجم واژه ای عربی از ریشه «هجم» به معنای حمله ور شدن و به دیگری یورش بردن است. تهاجم بر وزن تفاعل به معنای برخورد و هجوم دو طرفه است و در اینجا به معنای هجمه یک طرفه و یک جانبه است.

فرهنگ کلمه ای فارسی بوده و از دو جزء «فر» به معنای شکوه و عظمت و «هنگ» از ریشه اوستایی سنگ به معنای کشیدن، سنگینی و وقار است. این کلمه مرتب به معنای بیرون کشیدن و بیرون آوردن است.

از نظر اصطلاحی به اعتقاد گروهی از جامعه شناسان تهاجم فرهنگی عبارت است از: تفکر جمعی جامعه که در پدیده ها و رفتارهای اجتماعی تجلی می یابد و تمامی امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، مادی و معنوی راه متاثر می سازند.

مقام معظم رهبری در تعریفی که از فرهنگ ارائه نموده است، معتقد است: فرهنگ هر جامعه و ملتی و هر انقلابی به مجموعه ی دستاورد های ذهنی در آن جامعه که شامل دانش، اخلاق، سنن، آداب و چیزهایی که از این ها سرچشمه می گیرد گفته می شود. رهبر معظم

^۱ . ساموئل پی، هانتینگتون، چالش های هویت در آمریکا، مترجمان (محمد رضا، گلشن پژوه، حسن، سعید کلامی خیابان، عباس، کاروان)، چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، خرداد ۸۸، ص ۴۱

انقلاب در تبیین مفهوم تهاجم فرهنگی می‌فرمایند: یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و سیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برند. آنها همه چیزهای تازه‌ای را که وارد این کشور و ملت می‌کنند به مرور و به قصد جایگزین کردن آنها با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت است که نام این تهاجم فرهنگی است.^۱

^۱ احمد، طهماسبی، شبیخون فرهنگی، چاپ هفتم، انتشارات یاقوت، سال ۱۳۱۹، ص ۲۵

بخش دوم

بررسی علل آسیب پذیری فرهنگی

فصل اول:

عوامل و زمینه های پیدایش تهاجم فرهنگی

مقدمه

پدیده های اجتماعی با علت واحدی به وجود نمی آیند بلکه علل و عوامل متعددی باعث پیدایش آن ها می شوند. تهاجم فرهنگی نیز یک پدیده مهم اجتماعی است و عوامل مختلفی در پیدایش آن دخیل اند که در این فصل به چند مورد عوامل اشاره می شود.

گفتار اول: تاریخچه تهاجم فرهنگی علیه ملت ایران

تهاجم فرهنگی علیه ملت ما از دوران رضاخان آغاز شد البته قبل از این دوران نیز مقدمات تهاجم فراهم شد. زیرا قبل از او نیز کارهای فراوانی کرده بودند و روشنفکری های وابسته را در داخل کشور کاشته بودند.

همیشه در همه ی اعصار و دوران روشنفکرهایی بودند که جلوتر از زمان می اندیشیدند و حرکت می کردند؛ اما زمانی که عرب مسلط به تکنولوژی و علم، خواست در ایران پایگاه تسلط خود را مستحکم کند، از راه روشنفکری و سرزد و از طریق عناصر خود فریفته ای مثل میرزا خان و تقی زاده اقدام کرد.^۱

جریان روشنفکری در ایران از دوران قاجار به بعد بیمار و وابسته شد، متأسفانه چند نفری هم که آدم های سالم و صالحی بودند، بین آنها گم شدند. این جریان (روشنفکری) از ابتدا وابسته بود. بعضی از آنها مثل میرزا فتحعلی آخوند را وابسته به روسیه و برخی دیگر چون میرزا ملکم

^۱ . احمد طهماسبی، شبیخون فرهنگی، چاپ هفتم، انتشارات یاقوت، سال ۱۳۱۹، ص ۵۹

خان وامثال او وابسته به اروپا و غرب بودند این کارها قبلا در ایران شده بود، ولی چندانى نداشته کسی که در آن روز بزرگترین قدم را به نفع فرهنگ غرب و درحقیقت به نفع سلطه ی غرب واستعمار انگلیس بر ایران برداشت، رضاخان بود. این که پادشاهی یک باره لباس ملی یک کشور را عوض کند آن هم درحالی که حتی در دورترین نقاط جهان، مثل هند مردم لباس ملی خود را دارند و به آن افتخار می کنند و از آن احساس سرشکستگی نمی کنند، اینان (به مردم) گفتن باین لباس نمی توان عالم شد. حال آنکه بزرگترین دانشمندان ایرانی که آثار آنها هنوز در اروپا تدریس می شود، با همین فرهنگ و محیط پرورش یافتند. آنها لباس ملت خود را عوض کردند، چادر زن ها را از سرشان برداشتند و گفتند با چادر نمی شود زن عالم و دانشمند شود و در فعالیت های اجتماعی شرکت کند. این ادعا درحالی بود که رژیم منحوس حتی به مردها نیز اجازه ی فعالیت نمی داد؛ چه رسد به زن ها. زمانی که زنان ایرانی وارد فعالیت اجتماعی شدند، زمانی بود که چادر سرشان کردند و بارشهادت و ایثار و فعالیت های چشمگیر خویش کشور را متحول ساختند. آنها وقتی به میدان آمدند، مردهای این کشور را به دنبال خود به میدان کشیدند. این مردان آمد و خود را در اختیار دشمن قرار داد. یکبار به لباس این کشور را عوض کرد و بسیاری از سنت های مردم را تغییر داد. این تهاجم در دوران جدید خاندان پهلوی بخصوص از ۲۰-۳۰ سال اخیر حکومتشان مشکل جدی و خطرناک تر یافت؛ اما خیلی بعد در دوران انقلاب تغییرات اساسی در تلقیات مردم احساس شد و انقلاب اسلامی تهاجم را متوقف کرد.^۱ در این مدت نوعی گرایش خاص به اسلام، فرهنگ، اخلاق و آداب اسلامی موجود در ضمیر دوباره زنده شد؛ البته این گرایش عمیق نبود چراکه این گرایش

^۱ . همان

زمانی عمیق می یابد که چندسال روی آن کار شود. ولی این فرصت ها پیش نیامد و همان تهاجم به تدریج از سر گرفته شد.

گفتار دوم: عوامل موثر در پیدایش تهاجم فرهنگی

۱-۲- بی توجهی نسبت به فرهنگ خودی

هریک از جوامع انسانی، فرهنگ خاص خود را دارند که طی سالیان متمادی در اثر خاطرات تلخ شیرین، در تاریخ سرزمین آنها شکل گرفته و به صورت فرهنگ آن سرزمین درآمده است که از آن فرهنگ به فرهنگ خودی تعبیر می شود. تا زمانی که فرهنگ خودی به حیات خود ادامه داده و قدرت هضم و دفع تازه های وارداتی را داشته باشد، هیچ گونه آسیبی نخواهد دید.

۲-۲- خودباختگی فرهنگی

حالت خودباختگی بیشتر ناشی از خود کم بینی و احساس حقارت در قبال پیشرفت و موفقیت های دیگران است. استکبار جهانی با دستیابی به علم و تکنولوژی پیشرفته، همواره چنین وانمود کرده که هرگونه پیشرفت و ترقی در گروه اطاعت و تسلیم در برابر فرهنگ غرب است. با توجه به این تبلیغ های منفی، متأسفانه غرب توانسته در جوامع در حال توسعه پایگاه مناسبی برای خود ایجاد نماید. در این میان نباید بی تفاوت بود که ایران اسلامی که خود زمانی مهد تمدن فرهنگ بوده از این حالت بی تأثیر نبود و پویایی خویش را تا حدودی از دست داده و به حالت انفعال در آمده است.^۱

^۱ .. همان

۳-۲- رفاه طلبی و تجمل گرایی

القای روحیه رفاه طلبی و دنیا گرایی یکی از محورهای اصلی استکبار در تهاجم فرهنگی می باشد. یکی از عوامل فرهنگی که باعث موفقیت اسلام و وحدت پیروان می شود، تأکید بر عدم وابستگی مسلمانان به زخارف دنیوی و هواهای نفسانی است.

از دیگر زمینه ها و عوامل پیدایش تهاجم فرهنگی در جامعه رفاه طلبی، تجمل گرایی و ثروت اندوزی است که چشم های تیزبین مردم این مسایل را به خصوص در سطح مسئولین با دقت می بینند و قضاوت می کنند.^۱

۴-۲- عقب ماندگی علمی و صنعتی

سرزمین شرق تا قبل از شروع انقلاب صنعتی، به عنوان مرکز صدور فرهنگ تمدن برای جهان محسوب می شد، غربی ها برای تهیه ی وسایل تجاری و اقتصادی خود از قبیل پارچه ، ادویه جات و غیره با پیمودن کیلومترها راه دریایی و خشکی و قبول همه خطرات به ملل شرق روی آوردند تا از امکانات پیشرفت های آنان بهره ببرند. آنها نه تنها از نظر علمی و صنعتی نسبت به شرق برتری نداشتند، بلکه محتاج علوم و صنایع خاور زمین بودند. استکبار برای رسیدن به اهداف خود توانست بر تولیدات داخلی این کشورها ضربه وارد کند و معادن آنها را به غارت ببرد و کشورها را تک محصول قرار دهند.

امروزه بیشتر کشورهای اسلامی به درآمدهای نفتی خود وابسته هستند. این وابستگی در همه کشورهای توسعه نیافته باعث عقب ماندگی هر چه بیشتر و سلطه همه جانبه غرب بر آنها

^۱ همان، ص ۶۰

شد. تنها راه نجات از وابستگی همان راهی است که انقلاب اسلامی در پیش پای ملت‌ها به خصوص ملت ایران گذاشت.^۱

۵-۲- بی لیاقتی سران حکومت‌ها

شکی نیست که قدرت و هیأت حاکم در یک جامعه تأثیر چشم‌گیری بر فرهنگ آن جامعه دارد. اگر حکمرانان، مقید و مطیع ارزش‌های بومی و دینی جامعه خود باشند، به دوام و گسترش فرهنگ خودی کمک بسزایی می‌نمایند و اگر فاسد و بی لیاقت باشند صدمات جبران‌ناپذیری بر فرهنگ و ذخایر معنوی و مادی جامعه وارد می‌کنند به همین دلیل دشمن از طریق حکام وابسته و فاسد خیلی سریع‌تر می‌تواند به مسخ فرهنگ بومی و جایگزین کردن فرهنگ مورد نظر خود دست یازد.^۲

۶-۲- احساس ناکارآمدی نظام اقتصادی از سوی مردم

در حوزه مسائل اقتصادی می‌توان مواردی چون: گرایش مراکز تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر به نظام سلطه و اقتصاد جهانی، فساد اقتصادی و مالی برخی مسئولان کشور، کاهش پایداری به احکام اقتصادی اسلام، افزایش شکاف اقتصادی تورم و کاهش قدرت خرید مردم، افزایش بیکاری، گسترش فقر، مشکل تامین مسکن، ناکارآمدی نظام توزیع، اجرای طرح‌های اقتصاد

^۱ . همان، ص ۶۲

^۲ . نویسنده مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، تهاجم فرهنگی: ویژه نامه نشریه مکتب جبهه، تهران، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نمایندگی ولی فقیه، مرکز فرهنگ معاونت سپاه، سال ۱۳۷۳، ص ۱۶

توجیه ناپذیر و... را ذکر نمود که نهایتاً به احساس ناکارآمدی نظام اقتصادی مستقر در کشور از سوی مردم و نارضایتی آنها منتهی شود.^۱

۷-۲- دور شدن مسلمانان از تعالیم دینی

از نظر امام خمینی (رحمه الله علیه) عظمت و قدرت مسلمانان تا زمانی که از تعهد دینی برخوردار بودند و اجرای تعالیم الهی را مدنظر قرار می دادند ادامه داشت، تمدن آنها بالاتر از سایر تمدنها و فرهنگ آنها غنی تر از هر فرهنگی بود و محافل علمی مسلمانان به مراکز جذب علاقه مندان به کسب دانش از سایر نقاط جهان تبدیل شده بود. در عرصه ی سیاسی و نظامی نیز مسلمانان بر بخش اعظمی از سرزمین های متمدن آن روزگار تسلط داشتند و به عنوان قدرت برتر شناخته می شدند.

ولی به تدریج مسلمانان برتری خود را در حوزه های مختلف از دست دادند. و غرب آنها را تحت نفوذ و سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود قرار داد. امام (ره) در تبیین علت شکست ها وضعف مسلمانان و برتری غرب بر آنها به عوامل مختلفی اشاره می کند، ولی در بین آنها دور شدن مسلمانان از تعالیم الهی بیش از همه تأکید می نماید، به طوری که از نظر امام می توان آن را علت العلل ضعف و شکست مسلمانان در مقابل غرب دانست.^۲

^۱ . مجتبی، احمدی، ابوذر زارع درخشان، حسین همایزه ایبانه، از تهاجم فرهنگی تاجنگ نرم، چاپ دوم، انتشارات کیهان،

مرداد ۸۹، ص ۱۹۴

^۲ . میثم، طاهری بنچناری، فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب

اسلامی، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۲۱

گفتار سوم: زمینه‌های پذیرش فرهنگی

۱-۳- زمینه‌های تربیتی، روانی و خانوادگی

خانواده نقش اول و ویژه‌ای در تربیت صحیح و شناساندن ارزش‌ها به فرزندان دارد و اگر فرزند در آغوش خانواده بتواند شخصیتی ارزشی بیابد و با بهره‌گیری از ارزشهای معنوی شخصیت انسانی و ملکوتی‌اش رشد پیدا کند، چونان گوهری است که اگر در میان خار و خاشاک دفن گردد، هویت و درخشندگی خود را از دست نمیدهد، ولی اگر در دامن خانواده شخصیتی کج رو و منحرف بیابد، مثل خار و خاشاکی است که اگر در میان جواهرات نیز دفن شود، هویتی خاکی دارد و منزلتی بالاتر از زیر پا قرار گرفتن پیدا نمی‌کند. متأسفانه همه خانواده‌ها در شکل‌دهی شخصیت افراد در یک ردیف قرار ندارند. به تعبیر دیگر، خانواده‌ها از لحاظ توجه به تربیت فرزندان یکسان عمل نمی‌کنند. از این رو، روان‌شناسان و کارشناسان خانواده‌ها را به چند دسته تقسیم می‌کنند:

الف) خانواده‌های آزادی طلب

دسته‌ای از خانواده‌ها، خانواده‌هایی هستند که به فرزند آزادی می‌دهند و مسئولیت‌هایی نیز به آنها واگذار می‌کنند و از آنان می‌خواهند که حقوق دیگران را رعایت کرده و از ارتکاب جرم و عمل ناروا جلوگیری کنند. چنین خانواده‌هایی ضمن آنکه قدرت خود را حفظ می‌کنند به خواسته‌ها و نیازهای فرزندان جوان و نوجوان نیز توجه دارند.

ب) خانواده‌های سهل‌انگار

دسته دیگر خانواده هایی هستند که به فرزندان خود آزادی کامل می دهند و نه تنها هیچ
کنترلی بر آنها ندارند، بلکه هیچگاه درصدد راهنمایی شان بر نمی آیند و حتی دوستان و
معاشران تا آنها را نمی شناسند. این خانواده ها یا افرادی هستند که دارای مشغله بسیارند؛
به گونه ای که فرصتی برای رسیدگی به فرزندان خود ندارد یا اصولاً افرادی سهل انگارند.
این در حالی است که به اعتقاد روان شناسان و اندیشمندان اجتماعی بی اعتنائی والدین نسبت
به نوجوانان، رفتار خودسرانه ی آنها را چند برابر می کند.

ج) خانواده ی سخت گیر مستبد

برخی از خانواده ها نیز همواره با خواسته های فرزندان جوان و نوجوان خود، هرچند
صحیح و مشروع مخالفاند. این امر فرزندان را وادار می دارد رفتارهایی را که مورد تنفر والدین
است، انجام دهند. در روایات و در نگاه اسلامی خانواده حق ندارد راه استبداد و سختگیری
طی کند و بر فرزندان سخت بگیرد، و نیز اجازه سهل انگاری و توجه نداشتن به اولاد داده
نشده است.

راحتی و شادی فرزندان را فراهم سازید و آموزش ارزش های اخلاقی آنان را جدی
بگیرید.^۱ در نگاه دین خانواده باید کانون گرم محبت، عاطفه، آموزش و تعلیم امور انسانی
باشد. ولی امروزه متأسفانه با صنعتی شدن جوامع این وظیفه از خانواده ها گرفته شده
و تغییراتی را در خانواده به وجود آورده است؛ به گونه ای که انتظار تعلیم و پرورش از خانواده
انتظاری نابه جا و دخالت در مسئولیت دانسته می شود.

^۱ . وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۶

به این ترتیب، اگر خانواده نقش برجسته خود را که همانا فرهنگ پذیری است از دست دهد، جامعه شاهد ناهنجاری ها و نادیده گرفتن ارزش ها خواهد بود؛ چون ارزش ها باید باید در خانواده نهادینه شود و این امر وقتی محقق خواهد شد که والدین دارای اقتدار لازم در محیط خانه و خانواده برای فرهنگ پذیر کردن فرزندان و کودکان خود باشند. این اقتدار خود مبتنی بر حضور همیشگی یکی از والدین، به ویژه مادر در خانه است؛ چون مادر با ویژگیهای خدادادی اش در تربیت، نقش اول و بی بدیل دارد. سپردن کودک به مهد کودک و یا مؤسسه های حفظ و نگهداری کودکان و اشتغال والدین با حضور کمرنگ آنان در زندگی کودک، باعث کم شدن اقتدار آنان، در دوران جوانی و نوجوانی خواهد بود. در دوران کودکی، فرزندان نیاز عاطفی شدید دارند و مهدکودک ها و... این نیاز آنان را بر آورده نخواهد ساخت. این امر در فرآیند فرهنگ پذیری، اختلال ایجاد می کند و فرزندان با ارزش های خانوادگی و مذهبی خود ناآشنا خواهند بود. در این زمان مؤسسه ها و گروه های همسال، جای والدین را خواهند گرفت.^۱

۲-۳-۱ احساس حقارت

نوجوانان و جوانان گاهی به علت داشتن نقایص بدنی یا به علت مسائل و دشواری های خانوادگی، شکست ها، محرومیت ها، ناکامی های دوران گذشته زندگی، تمسخر و استهزای دوستان و همسالان، سرزنش های مکرر معلمان و شاگردان و یا به دلیل طرد شدن ها و بی توجهی ها و یا داشتن مسائل روانی دیگر، اعتماد به نفس خود را از دست داده و دچار

^۱ شمس الله، مریجی، عوامل مؤثر در انحراف از ارزش ها، چاپ دوم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ناشر: دفتر

احساس حقارت میشوند و تصور میکنند دیگران برتری هایی دارند که آن ها ندارند و در انجام امور ناتوان تر از دیگران هستند و مسئولیت هیچ کاری را به تنهایی نمی توانند بپذیرند. مکانیزمی که نوجوان به کار می برد تا علیه احساس حقارت خود مبارزه کند همواره بریک اصل متکی است و آن، اصل جبران یا تلافی است. جوان خود کوچک بین، سعی می کند با تقلید از فرهنگ غرب، بر احساس حقارت خویش سر پوشی نهاده و با تمسک به مظاهر برتری بیگانگان، کمبود خود را جبران کند.^۱

۳-۳-عدم مقبولیت و محبوبیت

هر انسانی دوست دارد دیگران او را دوست داشته باشند. این نیاز در کودکان و نوجوانان گسترده و عمیق تر است و در جوانی شدید تر می شود، زیرا جوانی و سن بلوغ سن غرور و خود دوستی است. نوجوان تمایل دارد هرچه سریع تر وارد دنیای بزرگسالی گشته و مورد احترام و تکریم دیگران قرار گیرد. او می خواهد دیگران باور کنند که دوران کودکی را سپری کرده و نیازی به کنترل و تسلط دیگران، به ویژه پدر و مادر را ندارد. جوان دوست دارد روی پای خود بایستد و خود برای خود تصمیم بگیرد و استقلال خویش را حفظ نماید. او به دنبال کسب محبوبیت و مقبولیت به خصوص در بین همسالان است. اگر این نیازهای طبیعی، به خوبی ارضاء نشوند، بهداشت روانی جوان و نوجوان آسیب می پذیرد و اختلافات عاطفی و رفتاری بروز پیدا می کنند. پذیرش فرهنگ بیگانه و پشت پا زدن آگاهانه به هنجارها، آداب و رسوم و اخلاقیات حاکم بر جامعه می تواند نمودی از عدم ارضاء این نیاز باشد. تبعیت جوان

^۱ . عباس، فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، ناشر: شکوفه یاس، بهار ۸۹، ص ۱۱۰

از افکار جدید، حضور فعال آنان در صحنه ها و جریانات مخالف وضع موجود، رد و بدل کردن مخفیانه وسایل غیر مجاز نظیر فیلم و نوار و مجلات و ... نشانگر عدم پاسخگویی به نیاز استقلال طلبی، محبوبیت و مقبولیت آنان است.^۱

۴-۳- بی هدفی و بی ثمری

زندگی بدون هدف، پوچ و فاقد معناست و هر کس نیاز دارد که فعالیت های خود را متوجه هدف های مشخص نماید.

هر چه هدف بزرگتر و مقدس تر باشد، انگیزه حرکت بیشتر و قوی تر است. داشتن هدف در زندگی فرد، احساس رضایت و تحرک بیشتر می دهد. انسان های بی هدف، انسان های خود گم کرده ی هستند که ثبات شخصیت و سلامت روانی خود را از دست می دهند.

جوانی که در زندگی هدف مشخص ندارد و یا هدف های بسیار کوچک را دنبال می کند، غالباً در تزلزل و ناامنی به سر برده و دچار افسردگی، یأس و نومیدی می شود. مذهب، به ویژه دین مقدس اسلام، رسالت هدفمند نمودن زندگی فرد و جامعه را بر عهده دارد. رشد افکار مذهبی و علاقه به فضیلت های دینی در سنین جوانی به حد اکثر خود می رسد. از سوی دیگر شک های مذهبی نیز در همین سنین آغاز میشود که باید به طریق استدلالی و منطقی به این تردید ها و شک ها پاسخ داد. اگر جوانان هدف شایسته ای در زندگی نداشته باشند به راحتی تحت سیطره تهاجم فرهنگی قرار میگیرد.^۲

^۱ . عباس، فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، ص ۱۱۱

^۲ . عباس، فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان

۵_۳- تأثیر از محیط بین الملل

بدون تردید در یک قرن اخیر اولین تحولات و گوناگونی فرهنگ جامعه ما متأثر از تماس و ارتباط با فرهنگ بیگانه، به ویژه فرهنگ غرب بوده است. پذیرش فرهنگ غرب در درجه ی اول متأثر از حضور و تحصیل تعدادی از نخبگان ایرانی در آن جا بوده. به طور طبیعی به علت فقدان نهاد های آموزشی نوین، اولین دانش آموختگان ایرانی فارغ التحصیل غرب بوده اند. طی ۶۰ سال یعنی از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۶۴ بیش از ۵/۱۳ درصد فارغ التحصیلان ایرانی، مدرک آموزش عالی خود را از خارج به ویژه غرب اخذ کردند و نیز بخش اعظم فارغ التحصیلان رتبه دکترا از غرب مدرک گرفته اند و مراکز آموزش عالی کشور و نظام اداری را در اختیار داشته اند، اهمیت این ارتباط و پذیرش فرهنگی تأثیر آن بر فرهنگ جامعه ما ملموس تر میشود.^۱

نتیجه:

برای جلوگیری از سلطه فرهنگی و به تبع آن سلطه اقتصادی و سیاسی دشمن، ایجاد حساسیت و اعتماد نسبت به فرهنگ خودی ضروری می باشد. که، تا حد زیادی به عملکرد مسئولان بستگی دارد. در غیر اینصورت با بی توجهی و فراموشی فرهنگ و مذهب خودی و پذیرش تدریجی فرهنگ بیگانه، دشمن، خود را برای تمامی امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه مسلط خواهد کرد.

^۱ .عباس، عبدی، محسن، گودرزی، تحولات فرهنگی در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات روش، ۱۳۷۸، ص ۱۱۹

فصل دوم

ویژگی ها و مبانی تهاجم فرهنگی

مقدمه

دشمنان در تهاجم علیه فرهنگ اسلامی از اصول و ضوابط خاصی تبعیت می کنند که شناخت این ویژگی ها، مبارزه با شبیخون فرهنگی آنان را تسهیل کرده و کسب موفقیت را، میسر می سازد.

گفتار اول: ویژگی های تهاجم فرهنگی

۱-۱- تغییر قالب های ماهوی جامعه و ساختار سیاسی

در این جنگ، باورها و ارزشهای سیاسی یک جامعه مورد هجوم برای تغییر قرار می گیرد. با تغییر باورهای اساسی جامعه، قالب های تفکر و اندیشه دگرگون شده و مدل های رفتاری جدیدی شکل می گیرد. مدل های رفتاری جدید به گونه ای است که به جای رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی، رفتارهای چالشی جایگزین شده و این رفتارها به سمت ساختار شکنی جهت می یابد.^۱

۱-۲- نمادساز

نمادسازی با بهره گیری از نمادهای تاریخی و گذشته برای ارایه و نمایش تصویری مطلوب از خود یک ویژگی برجسته از جنگ نرم است. در این جنگ تلاش می شود تصویری شکست خورده، ناامید و مایوس از حریف ارائه شود و در مقابل مهاجم با نمادسازی و تصویر سازی

^۱ . داود، رنجبران، جنگ نرم، چاپ هفتم، تهران، ناشر: ساحل اندیشه، زمستان ۸۸، ص ۲۹

خود را پیروز و موفق نشان می دهد. در این ویژگی عملیات روانی در حد اعلی خود انجام می شود.^۱

۳-۱- نامرئی و نامحسوس

تهاجم فرهنگی واقعی است که وجود پنهان آن بسیار فراتر از ایجاد آشکار آن است. دشمن با بهره جویی از سیاست نفوذ و ضربه، به ملت مورد تهاجم را ناخود آگاه تسلیم نموده و آنان را به تمکین در برابر خواست قدرت ها وادار نماید. روش های فرهنگی همواره آرام و خزنده هستند و در برخورد های سطحی، حساسیتی را بر نمی انگیزند، ضمن اینکه درک اهداف و نقشه های مجریان آن ها نیز به راحتی امکان پذیر نیست.

مستر همفر جاسوس انگلیس در کشور های اسلامی میگوید:

دبیر کل گفت: جنگ های طبیعی فایده ای نداشت؛ همان گونه که قوم مغول نتوانست اسلام را ریشه کن سازند. زیرا عملیات آنان، دفعی، بدون برنامه و نقشه قبلی بود، از این رو در مدتی کوتاه از بین رفتند. اما امروزه حکومت با عظمت ما در فکر این است که اسلام را از داخل با یک نقشه مطالعه شده و دقیق با بینش و به مرور زمان نابود سازد. البته این برنامه نیز در آخر کار نیازمند یک لشکر کشی و یورش است؛ ولی این کار موقتی انجام میگیرد که بلاد اسلامی را سقوط داده و از هر سو کلنگ ویرانی بر پیکر اسلام وارد آورده ایم که دیگر قدرت جمع آوری قوا و مقابله در جنگ را نداشته باشند.

مقام معظم رهبری درباره این خصیصه ی تهاجم فرهنگی می فرماید:

^۱ . داود، رنجبران، جنگ نرم، همان، ص ۲۹

تهاجم فرهنگی مثل خودکار فرهنگی، یک کار آرام و بی سروصداست. اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید خدای نخواستہ صدای فروریختن ارزش های معنوی که ناشی از تهاجم پنهانی و زیرکانه دشمن است، هنگامی در می آید که دیگر قابل علاج نیست^۱.

۴-۱- تضاد آفرین

جنگ نرم از محیط ها آسیب دار در جامعه هدف شروع می شود و با ایجاد گسل های متعدد در بخش های گوناگون جامعه و از طریق متفاوت کردن باورها، ارزش ها و شکل دهی به رفتارهای جدید، اعضای یک جامعه در برابر همه قرار می دهد. تضاد های بوجود آمده از طریق جنگ نرم، همبستگی اجتماعی و وحدت ملی را برهم میزند و زمینه های بروز بحران و درگیری های داخلی را فراهم می سازد. بنابراین تخریب وحدت ملی یکی از پیامدها و ویژگی های جنگ نرم است^۲.

۵-۱- به ظاهر رسمی و قانونی

هجمه سازماندهی شده فرهنگی در پوشش تبادل افکار و تضارب آرا و آزادی اندیشه و تعامل فرهنگی از طریق اموری مانند تولید و نمایش فیلم، انتشارات کتاب و مجله و روزنامه، سخنرانی، مباحثه، شعر، رمان، عکس و... در قالب ترویج فرهنگ و هنر صورت می گیرد و بسیاری از نهادهای بین المللی نیز از آن حمایت می کنند و چه بسا مخالفت با آن واکنشهای منفی به دنبال خواهد داشت.

^۱ . احمد طهماسبی، شیخون فرهنگی، همان، ص ۳۷

^۲ . داود، رنجبران، جنگ نرم، همان، ص ۳۲

۶-۱- دراز مدت و دیرپا بودن

بدیهی است به همان میزان که نتیجه و محصول ناتوی فرهنگی دیربازده است اثر به جا مانده از آن نیز دیرپا است و به آسانی قابل اضمحلال نمی باشد. زیرا تاثیرات ماندگار در روح داشته و موجبات تخریب یا انحراف اندیشه ها و افکار را فراهم می سازد.

۷-۱- نوجوانان و جوانان هدف تهاجم فرهنگی

با توجه به ویژگی ها و حساسیت های روانشناختی که در نوجوانان و جوانان وجود دارد و از سویی هر ملتی به این گروه به عنوان آینده سازان مملکت خویش می نگرد و برترین سرمایه های آنان به شمار می روند، به همین جهت هجوم فرهنگی دشمن، بیشتر متوجه این طبقه سنی می شود.

مقام معظم رهبری می فرمایند: « تلاش می کنند با توطئه های گوناگون، با ترویج فساد، با ترویج فحشا، با ترویج مواد مخدر، با باندهای هدایت شده، جوانان ایرانی را منحرف کنند.... امروز توطئه های سازمان یافته برای کشاندن جوان ایرانی به شهوات، به مواد مخدر، به سرگرمی های گوناگون جنسی یک توطئه بسیار خطرناک است. »

۸-۱- هدفمند و برنامه ریزی شده

بی تردید هر فعالیتی که از هر فرد یا گروهی انجام می شود، هدفی را تعقیب می کند و همه برنامه ها در راستای دستیابی به آن هدف سامان می یابد. به همین جهت رفتار و اقدام و شعف در امور فرهنگی گزاف و بیهوده نیست بلکه در جهت وصول به اهدافشان ارزیابی می شود. به همین روی فعالیت آنان برنامه ریزی شده و هدفمند است.

مقام معظم رهبری در این خصوص می فرماید: «آنها ابزارهای متعددی به کار گرفتند، من وقتی به وسعت ابزارهای دشمن نگاه می کنم، می فهمم چقدر برای اینها قضیه اهمیت دارد.»

۹-۱- بهره گیری از ادبیات مردم پسند

دشمن با استفاده از ادبیات و الفاظ مردم پسند، مانند آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، امنیت، پیشرفت، تمدن، توسعه، تبادل فرهنگی و ... تلاش می کند جامعه ی هدف را به سوی خود جذب کند تا حساسیت برانگیز نبوده و به واکنش منفی نینجامد.

۱۰-۱- نشانه رفتن به فرهنگ

نیروی مهاجم، فرهنگ را به عنوان سنگ زیرین و پایه اصلی جامعه هدف گرفته و نسخ هویت اسلامی و ملی و نیز بیگانه کردن انسانها از خود را نشانه می رود.^۱

۱۱-۱- عدم برانگیختن حساسیت مخاطبان

عملیات روانی در موارد بسیاری، مخالف و حتی معارض را به موافق و یا حداقل بی طرف و منفعل تبدیل می کند؛ چرا که شیوه ی مورد استفاده در عملیات روانی، در بیشتر مواقع به گونه ای طراحی و برنامه ریزی شده اند که مخالفتی با آرزوها، گرایشها، نیازها و تمایلات بشری نداشته باشند. همه خوشحالند، کسی زخمی و کشته نمی شود و هیچ چیز تخریب نمی

^۱ . جمعی از نویسندگان اداره سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بصیرت پاسداری، همان، ص ۷۹

گردد؛ این در حالی است که جنگ نظامی به طور معمول، مخالفان و معارضان سرسخت خلق می‌کند؛ ضمن اینکه تلفات انسانی در جبهه نظامی، مقدس، باارزش و ماندنی می‌شود^۱.

گفتار دوم: مبانی تهاجم فرهنگی

۱-۲- برنامه ریزی

مدعیات فرهنگ غرب و تمدن جدید، برای جلوگیری از گسترش نفوذ جهانی اسلام و نیز آسیب رساندن به تعمیق باورهای مذهبی در داخل کشور، برنامه های متنوع و متعددی را طراحی و تدارک دیده اند. ایجاد سازمان های آشکار و پنهان به منظور شناخت دقیق اسلام، نیروهای انقلابی، حرکت های اسلامی و همچنین تخصیص اعتبار و بودجه خاص به این امر و ایجاد هماهنگی جهانی در این زمینه، نشانگر برنامه ریزی مشخص آنان برای مقابله با حاکمیت فرهنگ معنویت و اندیشه توحید در عصر حاضر است^۲.

۲-۲- شناخت مخاطب

پیش از بروز تحولات عظیم در حوزه فناوری ارتباطات و از بین رفتن فاصله های مکانی، عملیات روانی تقریباً بین حاکمیت ها جریان داشت و اگر شهروندان نیز در محاسبات منظور می شدند، تنها شهروندان کشور هدف را شامل می شد. اما امروز عملیات روانی تنها به دو کشور درگیر محدود نمی شود؛ بلکه همه دولت ها، افکار عمومی جهان، سازمان های بین المللی و غیر آن، در محاسبات عملیات روانی لحاظ می شوند. ملاحظات و محاسبات فوق از

^۱. رضا، جنیدی، تکنیکهای عملیات روانی و شیوه های مقابله، ویراسته ی مهدی حاتمی نژاد، چاپ دوم، مشهد، مؤسسه چاپ و

انتشارات آستان قدس رضوی به نشر، ۱۳۸۹، ص ۵۱

^۲. عباس، فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان

چنان اهمیتی برخوردار شده است که حتی اگر کشوری در مقام دفاع بخواهد مقاومت کرده و از ضد عملیات روانی بهره گیرد نیز ملزم به رعایت آنها خواهد بود. بنابراین، عملیات روانی طیف وسیعی از نیروهای خودی، دشمن و بی طرف را در بر می گیرد. هنگامی که یک کارشناس عملیات روانی به دنبال انتخاب مخاطب خود اعم از خودی، بی طرف و دشمن است، ضمن انتخاب مناسب ترین ابزارها و شیوه ها باید به متغیرهایی مانند نظام سیاسی، فرهنگ، انگیزه‌ها، طبقات اجتماعی، مذهب، سازمان و سازو کارهای ارتباطی ارسال پیام (انتخاب رسانه) توجه کند؛ چرا که بدون شناخت لازم، از جوامع هدف، ممکن است هر گونه اقدامی در زمینه ی عملیات روانی، نتیجه عکس و کاملاً غیر منتظره در پی داشته باشد؛ از این رو، مقوله مخاطب شناسی از مهمترین عوامل زمینه‌ساز اجرای یک عملیات روانی موفق محسوب می شود. بنابراین لازم است قبل از هر اقدامی مخاطبان هدف را تعریف و بر اساس ویژگی های جمعیت شناختی از جمله جنسیت، گروه سنی، گروه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و ... متغیرهای جغرافیا شناختی، روانشناختی و غیر آن دسته بندی نمود.

۳-۲- مدیریت زمان

زمان عامل دیگری است که در تمامی مراحل عملیات روانی باید به دقت بررسی شود. مقاطع زمانی مختلف، اعم از زمان صلح، بحران و جنگ، همانند جوامع هدف، مستلزم کارکردهای اطلاعاتی- روانی متفاوتی اند. زمان بحران و جنگ نیز هر یک به سه مرحله «قبل، حین و بعد» تقسیم می شوند. طراحان عملیات روانی باید به توالی، استمرار، شتاب و غنیمت شمردن فرصت چه در عملیات‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت و چه در طرح های

ترغیبی و القائی، در هر سه مقطع زمانی مزبور توجه فراوانی داشته باشند. زمان مانند عامل اساسی شناخت مخاطب می‌تواند در روند شتاب آلود رویدادها به سرعت از قالب دوست موافق به درآمده و به دشمن خطرناکی تبدیل شود.^۱

۴-۲- اصل هدف

آنچه را قصد رسیدن به آن میشود، «هدف» می‌نامند که تمرکز تمام تلاش‌ها و اقدامات روانی به سوی آن، هدایت می‌شود. اجرای هر عملیات روانی، مستلزم داشتن هدف در اعمال آن، می‌باشد. این هدف در سطح استراتژیک، باید شرایط سیاسی، ایدئولوژیکی، اقتصادی، جغرافیایی و نظامی را در نظر گرفته باشد و در سطح تاکتیک، امکانات موجود، منطقه عملیاتی و دشمن را در سطح نظامی، مورد توجه قرار دهد.^۲

۵-۲- جوانگرایی

هرچند تمامی اقشار جامعه مخاطب تهاجم فرهنگی دشمنان هستند، لیکن لبه‌ی تیز حمله، متوجه نسل جوان است. بیش از نیمی از جمعیت فعال کشور، نسل جوان هستند که این گروه به دلیل شرایط سنی نسبت به هجوم فرهنگ بیگانه، آسیب‌پذیرترند. اگر دشمن به نسل انقلابی دیروز، امید چندانی نداشت؛ از آینده سازان جوان، ناامید نیست و هدف خویش را، به انحراف و نابودی از آن، معطوف کرده است.

^۱ . رضا، جنیدی، تکنیکهای عملیات روانی و شیوه‌های مقابله، همان، ص ۳۷

^۲ . حسین، متفکر، جنگ روانی، چاپ چهارم، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۷، ص ۶۳

۶-۲- گسستن پیوند مردم با دین رهبری

حکومت و نظام اسلامی بر پایه سه اصل دین مردم و رهبری شکل گرفته است. هرچه پیوند این سه عنصر قوی تر و عمیق تر باشد، نظام اسلامی پایدارتر و با ثبات تر خواهد بود و هر چه این پیوند سست تر و ضعیف تر شود، جامعه آسیب پذیر خواهد شد.

یکی از اصول مهم هجوم فرهنگی دشمنان، تضعیف، تخریب و قطع ارتباط و پیوند میان دین، مردم و رهبری است که می تواند جامعه را در برابر فرهنگ مهاجم سلطه پذیر نماید^۱.

نتیجه:

جنگ نرم، قالب ماهوی و ساختار سیاسی یک جامعه را دگرگون می سازد و تمام برنامه و راهبردهای خود را به شکل نامرئی و نامحسوس برای ایجاد تضاد بین ارزش های مقبول در جامعه اجرا می کند، که تمام این کارها با برنامه ریزی دقیق و در مدت زمان طولانی انجام می گیرد.

^۱ . امیر رضا، قلی، مبانی و ویژگی های تهاجم فرهنگی، ۹۵/۹/۲۰، بازدید ۹۵/۷/۲۷ iranfarhang.parsiblog.com

فصل سوم

ابزارهای تهاجم فرهنگی

مقدمه

در دنیای امروز رسانه ها بر همه جنبه های زندگی ما سایه افکنده و انسان را به عنوان مخاطب و بازار مصرف خود در محاصره گرفته اند، توجه به وسایل ارتباط جمعی و آثار ارتباطی آنها بر شئون جامعه، اهمیت والایی دارد. در این فصل سعی بر آن شده به مواردی از این آثار، پرداخته شود.

گفتار اول: پیامدهای منفی ماهواره در ابعاد مختلف

۱- گذراندن وقت بیشتر برای تماشای ماهواره، نشان دهنده علاقه کمتر به مطالعه است و به احتمال زیاد، فرد را تنبل و از نظر روانی، منفعل بار می آورد فعالیتهای ذهنی را کند و روح انسان را مسخ می کند. ماهواره مبلغ پرخاشگری و ستیزه جویی است و گاه انسان را به ترس از خشونت واقعی مبتلا می سازد؛ بدین معنا که فرد از جنگ و مبارزه واقعی می هراسد.

۲- تماشای تصویر ها و فیلم های مبتذل، کم کم انسان را معتاد می کند؛ به گونه ای که اگر فرد روزی به سراغ ماهواره و عکسهای مبتذل آن نرود، در زندگی خود احساس کمبود می کند و حالت کسالت به او دست می دهد.^۱

^۱ . محمد، سقازاده، حمزه، کریم خانی، هجوم خاموش، چاپ هشتم، قم، انتشارات عطر یاس، ۱۳۹۱، ص ۵۲

۳- به تماشای صحنه های مبتذل ذهن و اندیشه ی انسان را تسخیر می کند. فردی که خود را به دیدن این گونه تصویرها عادت داده است، به کار و فعالیت سازنده اقتصادی بی رغبت می شود.

۴- ماهواره، موجب از بین رفتن حجاب های اخلاقی و دینی از بسیاری مسائل، به ویژه در زمینه های جنسی و خشونت می شود. در گذشته، دنیای ناشناخته و اسرار آمیز زندگی بزرگسالان، آنها را از کودکان و نوجوانان متمایز می ساخت و به عبارت ساده تر، این تفکیک بر پایه شرم استوار بود. کودکان و نوجوانان، درباره مسائل جنسی، پول، خشونت، بیماری، مرگ و نظایر آن لب فرو می بستند؛ اما به تدریج و با کسب آگاهی های جدید از راه ماهواره، همه آن رازداری ها به فراموشی سپرده می شود.

۵- بلوغ زودرس، از دیگر پیامدهای دیدن چنین تصویری هایی به شمار می رود. به طور طبیعی اگر نوجوان یا جوانی که چنین صحنه هایی راه می بیند، شرایط ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی را نداشته باشد، خواهد کوشید عطش کاذب خود را از راه های دیگر فروشنده. اینجاست که مشکلات اخلاقی دیگری مانند روابط نادرست و... پدید می آید.^۱

۶- کودکان و نوجوانان، به علت هزینه کردن وقت زیادی برای تماشای برنامه های تلویزیونی و ماهواره ای که تا پاسی از شب ادامه می یابد، صبح ها با تاخیر به کلاس درس می آیند و خواب آلود هستند؛ در نتیجه، بیشتر این افراد، عملکرد نامطلوبی در مدرسه دارند.

۷- نقشه ماهواره در تغییر ماهیت افکار عمومی پیرامون مسائل سیاسی و اقتصادی، قابل توجه است. تصمیم گیری و اظهار نظر افراد در این زمینه ها، برخاسته از احساسات ناشی از

^۱. همان

تبلیغات است؛ زیرا تماشای تصاویر، قدرت تفکر و تعمق راه از فرد سلب می کند و در عوض، روند تصمیم گیری او را با احساسات و عواطفی که از تماشای تصاویر به وجود می آیند تحت تاثیر قرار می دهد.

۸- ماهواره، واقعیت ها را آنطور که باید و شاید به تصویر نمی کشاند. گاهی مسائل را بزرگ کوچک می نمایند و به افراد، مجال تامل و تفکر و آزادی بیان جزئیات را نمی دهند؛ زیرا رابطه میان ماهواره و مخاطب، رابطه ای یک سویه است و در این فرآیند پیام رسانی، تعیین نوع پیام ها و آگاهی ها، در اختیار فرستنده است و گیرنده پیام، به گونه ای خشی و منفعل آن را دریافت می کند.

۹- همانگونه که اعتیاد به مواد مخدر، ویرانگر بنیادهای اخلاقی و خانوادگی و اجتماعی است^۱، استفاده و اعتیاد به برنامه های مخرب ماهواره ای نیز ارزش های اخلاقی و خانوادگی و اجتماعی را به شدت تهدید می کند و بسیاری از افرادی که زمان زیادی از شبانه روز را به تماشای برنامه های ضد اخلاقی ماهواره و اینترنت اختصاص می دهند؛ به یقین از همین راه، به انحراف های گوناگون آلوده می شوند^۲.

گفتار دوم: مطبوعات

اهمیت سلاح تبلیغاتی در تاثیرگذاری بر تغییر و تحولات جریان های فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، توجه یهودیان جهان را به اهتمام بیشتری نسبت به مطبوعات و روزنامه

^۱. همان

^۲. همان

ها جلب کرده است. به همین لحاظ صهیونیسم جهانی از زمان های گذشته برای زیر سلطه کشیدن مطبوعات، توطئه های عمیق و حساب شده ای را طراحی کرد.

آنچه به طور مشخص درباره میزان نفوذ و سیطره صهیونیسم جهانی می توان گفت این است که بنابر آنچه در برخی منابع آمده است این است که سرمایه داری یهود از سال های حدوداً اواسط قرن هجدهم تاکنون در اروپا اداره شماره بسیار زیادی از نشریات را در اختیار گرفته است و قسمت عمده مطبوعات را تحت کنترل خود درآورده است.

درباره اهمیت این سلاح تبلیغاتی صهیونیست ها برای بهره گیری از آن در سلطه بر جهان، تاکنون تصریحات زیادی از سوی آنها شده است. از جمله اینکه:

« ادبیات و روزنامه نگاری دو قوه ی مهم آموزش و پرورش هستند و برای همین است که ما تمامی روزنامه ها را در اختیار خواهیم گرفت و بدین ترتیب نفوذ نشریات مخالف را خنثی کرده و در افکار عمومی رخنه می کنیم.» آنها همچنین اعتراف می کنند که:

« مطبوعات نماینده ی آزادی بیان هستند و دولت ها نتوانسته اند از این قدرت استفاده کنند و این قدرت در دست ما افتاده است. به وسیله ی همین مطبوعات است که در حالیکه در حاشیه تاریکی قرار گرفته ایم به آنچه در روشنی است توجه داریم و نفوذ خود را به دست آورده ایم. با کمک همین مطبوعات است طلا به قیمت سیل خون ها و اشک هایی که ناچار از ریختن آنها بوده ایم در دست ما انباشته شده است.^۱»

رسانه ها می توانند با عملکرد خود بحران سازی کنند یا بحران موجود را گسترش دهند.

رسانه ها با اقدامات زیر می توانند تولید بحران کنند:

^۱ همان.

۱- مطبوعات و رسانه ها در بزرگ کردن برخی مسائل نقش دارند. ممکن است این رسانه ها رویدادی که با ده ها و شاید صدها رویداد دیگر تفاوتی ندارد، برجسته کنند و سبب شوند مردم منحصرأ به این رویداد توجه کنند. آشکار است که هر رویدادی که مردم به آن بیشتر توجه کنند، موضوع گفت وگوهای اجتماعی قرار می گیرد و هرچه کمتر به چشم آید، زودتر فراموش می شود. حال اگر موضوع از مسائل بحران زا باشد، رسانه ها در ایجاد بحران یا تشدید آن کمک کرده اند.

۲- یک رویداد، افزون بر جلب توجه مردم، باید در چار چوب خاصی قرار گیرند که معنای ویژه ای داشته باشد تا به نظر مردم، مهم و نگران کننده جلوه کند؛ برای مثال اگر در انتخابات چند تخلف کوچک انجام شود، مردم حساسیت بسیار نشان نمی دهند. هر چند اصل تخلف، آنان را حساس می کند: اما اگر چهار چوب این تخلف از پیش تعیین شده یا با تبانی باشد، ممکن است شدت بحران را افزایش دهد. بنابراین زاویه نگرش وسایل ارتباط جمعی به مسائل و تفسیرشان از آن ها، در ایجاد بحران موثر خواهد بود.

۳- زبان وسایل ارتباط جمعی در بیان رویدادها در ایجاد بحران یا تشدید آن تاثیر دارد. اگر واژگانی به کار رود که ابعاد مسأله را بزرگ جلوه دهد، بحران تشدید می شود؛ برای مثال اگر در انتخابات، به جای «وقوع برخی تخلفات» از عبارت «رسوایی انتخاباتی» یا «خیانت به آرای ملت» استفاده می شود مسأله بزرگ تر جلوه می کند.

با توجه به راه های گوناگون که مطبوعات و رسانه ها از آن طریق می توانند ایجاد بحران و تنش در جامعه کنند، اگر نظارت لازم بر آن ها نشود و یا رسانه های ی یک کشور تعهد ملی و مذهبی نداشته باشند می توان موجب تنش یا بحران شود.^۱

گفتار سوم: رسانه

۱-۳- تاثیر تلویزیون در ایجاد مفاسد اخلاقی

امروزه ارزش های دینی و اخلاقی، با چالش های گوناگون رو به روست. برخی از این چالش ها را محافل علمی و روشنفکری مطرح می کنند. گونه ی دیگر این چالش ها، گسترش مفاسد اخلاقی در بین مردم به ویژه نسل جوان است. یکی از دلایل گسترش مفاسد اجتماعی، گسترش وسایل ارتباطی است. با وقوع انقلاب ارتباطات، پدیده های گوناگونی به سرعت در بین مردم گسترش می یابد. صدا و سیما نیز می تواند به طور ناخواسته به گسترش این مفاسد کمک کنند. امام خمینی (ره) در این باره می فرمایند:

صدا و سیما دستگاهی است که با صحت آن، مردم صحیح می شوند و با فساد آن، فاسد. این دستگاه صدا و سیمای امروزه وضعی دارد که مسئولیت شما آقایان را خیلی زیاد می کند.

یک رسانه به چند صورت می تواند به گسترش مفاسد اخلاقی دامن بزند:

- راه اول، تحریک غرایز انسان از طریق برنامه های گوناگون است. انسان غریزی دارد که باید تامین شود وگرنه به فساد کشیده می شود. اگر رسانه به جای ترویج راههای صحیح ارضای غرایز به تحریکشان پردازد، فرد را به انحراف خواهد کشاند. خوشبختانه رسانه ها پس

^۱ سعید، کریمی، رسانه ها و راههای تقویت مشارکت مردم در صحنه های سیاسی و اجتماعی، تهیه: مرکز پژوهش اسلامی

صدا و سیما، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۸

از انقلاب اسلامی اصلاح شده اند. با این حال، رعایت حدود اسلامی به تنهایی کافی نیست، زیرا ممکن است محتوا یا ظاهر فیلم یا برنامه اشکال شرعی نداشته باشد، ولی به روشهای دیگر، بیننده و یا شنونده را تحریک کند.

- راه دیگر گسترش مفاسد اخلاقی، ارائه ی شخصیت های خاص قهرمانان در سریالهای تلویزیونی است که خود مبلغ مد و فرهنگ و ارزش های ناسالم هستند. بسیاری از شخصیت های ارائه شده در رسانه ها، به ویژه شخصیت های خارجی، با فرهنگ و ارزش های اسلامی همخوانی ندارند.^۱

- راه دیگر گسترش لهو و لعب و مفاسد اخلاقی، پخش آگهی های تجارتي است. کارکرد تجاری تلویزیون و مطبوعات همواره در حال گسترش است و به ترویج مصرف گرایی، ایجاد نیازهای جدید و مصنوعی انجامیده است. تبلیغ مصرف گرایی نیز زمینه ساز خدشه دار شدن استقلال سیاسی کشور است، زیرا در صورت متناسب نبودن سطح توقع جامعه با توسعه اقتصادی، تضادهای اجتماعی رخ می دهد. بنابراین رسانه های جمعی باید با رعایت حدود شرعی در تهیه برنامه ها و مطالب خود، بکوشند از ترویج خواسته یا ناخواسته فرهنگ مبتذل غرب، در قالب موسیقی، فیلم و سریال پیشگیری کنند.^۲

- حساسیت زدایی نسبت به پرخاشگری.

به اعتقاد بعضی روانشناسان اجتماعی سه جنبه مهم در مورد ترویج خشونت به وسیله ی تلویزیون در کودکان، نوجوانان و جوانان شایان توجه است: مسأله حساسیت زدایی نسبت به

^۱ همان.

^۲ . سعید، کریمی، رسانه ها و راههای تقویت مشارکت مردم در صحنه های سیاسی و اجتماعی، همان، ص ۱۸۹

پرخاشگری. تا زمانی که فرد با صحنه های پرخاشگرانه و خشونت آمیز مواجه نشده است، حتی تعداد اندکی پرخاشگری نیز واکنش های نامطلوب و آزار دهنده ای نسبت به صحنه های خشونت آمیز (مثلا کتک زدن یک کودک) در او ایجاد می کند .

اما وقتی به طور مداوم در معرض تماشای چنین صحنه هایی قرار گرفت، کم کم از حساسیت خود را از دست داده وقضیه برای او عادی می شود.

- نیاز به خشونت فزاینده برای افزایش هیجان تماشاچیان.

فردی که مواد مخدر مصرف می کند، در آغاز با مقدار اندکی از این مواد به حالت خلسه می رسد اما به تدریج برای رسیدن به همان میزان خلسه، مجبور است مقادیر بیشتری مواد مخدر به کار ببرد، زیرا بدن وی به مقدار سابق مواد عادت کرده و واکنش نشان نمی دهد. در مورد پرخاشگری نیز همانطور است. اگر در آغاز، مثلا صحنه حمله با چاقو در تلویزیون برای تماشاچی هیجان انگیز است و او را سرگرم می کند، پس از چند بار دیدن صحنه های حمله با چاقو، دیگر چنین صحنه ای برای او هیجان آور نیست.

آنچه در مورد خشونت و جنگ و کشت و کشتار در نقاط مختلف جهان به صورت مستند در رسانه ها به ویژه در تلویزیون به نمایش در می آید این فکر را به جوانان القا می کند که در همه جای جهان جنگ، ناامنی و آوارگی وجود دارد، در صورتی که چنین نیست. این تصور نوعی احساس ناامنی، نگرانی و عصبی بودن در نوجوانان و جوانان تماشاچی ایجاد می کند که او را بسیار مستعد از کوره در رفتن و پرخاشگر شدن می سازد.^۱

۲-۳-رادیو

کمتر رسانه ای تا این حد توانسته بار سیاستگذاری و جنگ روانی علیه ممالک متعدد را به دوش بکشد. این رسانه ی جهان شمول و فراگیر، وسیله ای است که قدرت های استکباری با آن می توانند از بی سوادترین و عامی ترین افراد تا متخصصین و تحصیل کردگان کشورها را تحت پوشش خبری و روانی خود قرار دهند. نقش این رسانه ها مخصوصا در ممالکی که بی سوادان درصد بالایی از جمعیت را تشکیل می دهند، مهم تر جلوه می نماید. شاید بتوان گفت که میزان اثرگذاری رادیوهای بیگانه در ممالک متعدد متفاوت است. کشورهایی هستند که مردم آنها به برنامه رادیویی بیگانه بی تفاوت هستند و به عکس در برخی ممالک، شنوندگان چنین برنامه هایی زیاد می باشند؛ بعنوان مثال تحقیقاتی که در انگلستان، آمریکای شمالی و اروپا پیرامون شنوندگان انجام گرفته به طور کلی ثابت نموده که بسیار کم به رادیوهای خارجی گوش می دهند.

^۱ محمد، نیکونژاد، یکشنبه ۹۵/۸/۲، سایت www.vista.ir/article

مردم چنین جوامعی با دیگر وسایل ارتباط جمعی از قبیل مجله، روزنامه، برنامه های داخلی صدا و سیما، تئاتر و سینما چنان مواجهند که ارزشی برای صداها ایستگاه رادیویی بین المللی، که می توان به راحتی آنها را دریافت کرد، قائل نیستند. به عکس، جهان عرب از نظر گوش دادن به کانال های گوناگون رادیویی، بالاترین میانگین های جهان را به خود اختصاص داده است و در آن کشورها، گوش دادن به رادیو، جزء آداب و رسوم مردم شده است.

برای اینکه یک رادیوی بیگانه بتواند مورد پذیرش مردم یک سرزمین واقع شود باید اصول و عوامل و شرایط متعددی را رعایت کند. از جمله نیازهای روانی مردم را بررسی نماید، از خلاءهای موجود، استفاده لازم و کافی را بنماید و نیز پخش چنین برنامه هایی باید حساب شده باشد، به نحوی که زمان پخش با اوقات شنوندگان تناسب داشته باشد.^۱ رادیو ها مثل خبرگزاری ها، روزنامه ها و مجلات بین المللی، از طریق تبلیغات انتشار و توجیه مواضع سیاسی خارجی و مصالح و منافع آنان و دیگر عوامل موثر، در خدمت سیاست خارجی کشور ها می باشند. به همین دلیل، سیاست مشخصی به کار نمی برند و عملکرد این ها مثل سیاست خارجی کشور متبوع همیشه در حال تغییر و تبدیل است. چنان که یک روز جانب مخاصمه با کشوری می گیرند و روزی دیگر از در صلح و آشتی وارد می شوند.

قسمت عمده و اعظم وظیفه جنگ روانی اعمال شده از طرف رادیو های سیاسی استعمارگر، از طریق این چنین ایستگاه هایی انجام می پذیرد. از جمله این ایستگاه ها صدای آمریکا می باشد.^۲

^۱. همان

^۲. حسین، متفکر، جنگ روانی، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، چاپ چهارم، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵

گفتار چهارم: رایانه

۴-۱- اینترنت

نقش و اهمیت اینترنت به عنوان یکی از رسانه های جدید، برکسی پوشیده نیست، با توجه به جذابیت کم نظیر و نفوذ گسترده ای که در جوامع گوناگون یافته است و همچنین هزینه اندک آن، شاید در حال حاضر هیچ وسیله ای از ارتباط جمعی، قدرت رقابت با آن را نداشته باشد. اینترنت، وضعیتی را پدید آورده که یک فرد به تنهایی و با صرف هزینه بسیار اندک، می تواند در گسترده ای بسیار وسیع از آن استفاده کند. اثر گذاری بی بدیل این رسانه با مقابله با دیگر رسانه ها، موجب شده در سال های اخیر به عنوان مهم ترین ابزار جنگ نرم بر ضد ملت ها و فرهنگ های مخالف نظام لیبرال دموکراسی به کار گرفته شود.

قدرت شبکه سازی در اینترنت و پیدایش سایت های ارتباطات اجتماعی، توانسته است نقش جدی و تعیین کننده ای به این رسانه در ایجاد شورش ها و تجمعات سیاسی و اجتماعی ببخشد.

در حوادث پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در ایران، نقش سایت هایی چون تویتر و فیس بوک در دامن زدن به اغتشاشات بر همگان روشن بود. آنها با انتشار اخبار جعلی و دروغین، به تحریک احساسات مخاطبان خود می پرداختند و اغتشاشات را به صورت غیر رسمی هدایت می کردند.^۱

^۱. صدیقه، حسینی، اهداف فرهنگی در جنگ نرم رسانه ای، قم، انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، کتابخانه دیجیتال قائمیه، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹

شبکه های اجتماعی گرچه باعث افزایش تعامل میان کاربران شده اند و زمینه را برای بسیاری از اقدامات خلاقانه در فضای مجازی فراهم می کنند، پتانسیل زیادی برای انواع سوء استفاده چه از سوی هکرها و چه از سوی افراد و دولت ها هستند. در این میان، جوانان و نوجوانان که با هیجان زیاد در این شبکه ها حضور می یابند، به طور جدی بیش از دیگران در معرض خطر قرار دارند.^۱

کاربران شبکه همگی به صورت تنها، از سکس شبکه ای استفاده می کنند. بدین ترتیب، مفاهیمی نظیر خدا و خانواده و ازدواج، در نگاه این افراد، به موضوع هایی کم ارزش و غیر قابل اعتنا بدل می شوند، از سوی دیگر کودکانی که بدون نظارت والدین خود از شبکه اینترنت استفاده می کنند، ناخواسته قربانی نقشه های شیطانی طراحان و تولیدکنندگان پایگاههای مستهجن نگاری و سکس شبکه ای می شوند. البته والدین آنها هم که کامپیوتر را نه برای خود، بلکه برای استفاده فرزندانشان خریداری می کنند، امروزه با انبوهی از تصویرها و فیلم هایی روبرو شده اند که به صورتی غیر مترقبه روی مانیتورها به نمایش در می آید.^۲

برخی از مهم ترین آسیب های اجتماعی از این قرار است:

- تضعیف دولت های محلی؛

- تأثیر بر افکار عمومی و بسیج آن برای اغتشاش در درون کشورها؛

^۱ . علی محمد، آذربخش، درآمدی بر نقش رسانه ها در جریان سازی، قم، انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، کتابخانه دیجیتال قائمیه، ۱۳۹۲، ص ۳۷

^۲ . مریم، ، فریده، رضایی، پیشوایی، قاب جادو (آسیب های تلویزیون و اینترنت در غرب)، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵

- افزایش تعارضات ساختاری و دوگانگی هویت؛
- یکسان سازی فرهنگ؛
- تقویت گرایش های گریز از مرکز؛
- اخلال در روند وحدت ملی؛
- ایجاد اختلاف و شکاف میان ملت ها به دلیل ملی گرایی افراطی؛
- ایدئولوژی های متضاد و در نهایت بروز شکاف فرهنگی؛
- یکپارچگی افقی گروهها و طبقات و نشریه دوقطبی؛
- تضاد با ارزش ها و باورها؛
- تضعیف پیوندهای سنتی از طریق تقویت و تبلیغ ارزش های غربی و کمک به استحاله فرهنگی؛
- بهره برداری تبلیغاتی و انتشار اخبار غیر واقع تحریف شده؛
- ایجاد نخبگان سیاسی و فرهنگی وابسته^۱.

۲-۴- بررسی اثرات فرهنگی - اجتماعی بازی ها

در بررسی اثرات فرهنگی - اجتماعی بازی های رایانه ای عناوین:

جامعه پذیری در راستای اهداف غرب، القای خشونت و پرخاشگری در بازی ها، آرایه ی هویت جدیدی به زن، قمار، بزهکاری، وابستگی و اعتیاد به بازی ها و سایر موارد مطرح گردیده اند.

^۱ . علی محمد، آذربخش، درآمدی بر نقش رسانه ها در جریان سازی، قم، انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، کتابخانه دیجیتال قائمیه، ۱۳۹۲، ص ۳۷

در بررسی مسئله جامعه پذیری در راستای اهداف غرب پس از طرح انواع جامعه پذیری ها ، نتیجه گرفته شده است که بهترین نوع جامعه پذیری، استفاده از منطق به همراه عاطفه است. بررسی بازی های طراحی شده ی رایانه ای نیز بیانگر آن است که بازی های اخیر در هر دو جهت منطقی و عاطفی، درصد تاثیر گذاری در سطح کاربرانشان هستند. بازی ها در بعد منطقی خودشان، اولاً درصد گرفتن هرگونه فرصت تأمل و تأنی درونی کاربر بوده، آن ها را چنان در بازی و حواشی آن غرق می سازد که دیگر فرصت نمی کنند فکر کنند، مثلاً افرادی که در بازی تحت عنوان تروریست ها معرفی می شوند، واقعا چه کسانی هستند. چه ایده ها و افکاری دارند و برای چه هدفی مبارزه می کنند، ثانیاً بازی های اخیر، به دلیل در بوته نهادن برخی از مسائل، مانند معرفی صحیح تروریست، این امکان را از بازیگران نقاد نیز می گیرد که براستی تروریست هایی که وی موظف از بین بردن آن هاست، چه کسانی می باشند، اما در مرحله بعد، ممکن است در بعضی بازی های دیگر، به تدریج پرده از ابهام پیش گفته برداشته شده، به شکل غیر مستقیم، آدرس هایی از تروریست ها نشان داده می شود. بازی های رایانه در تبلیغ غیر مستقیم دیگر، ارزش های فرهنگی غرب مانده: مصرف گرایی افراطی، برهنگی، فردگرایی، سکولاریسم و برخی ارزش های دیگر نیز از الگوی مشابهی پیروی می کنند.

در عنوان «القای خشونت و پرخاشگری بازی های الکترونیکی»، پس از اشاره ای که به پرخاشگرانه بودن غالب بازی های ایرانی شده است. از نظریه پردازی های موجود در این امر و برخی پژوهش های آزمایشی انجام شده در باب پرخاشگری یاد شده است.^۱

^۱. همان

و در ادامه، با استناد به تعدادی از پژوهش های انجام گرفته، از تبعاتی مانند: تخیلات پرخاشگرانه، پرخاشگری عملی، عادی شدن پرخاشگری در اذهان نوجوانان و جوانان، الگوگیری کاربران از بازیگران پرخاشگر بازیهای الکترونیکی، انتخاب پرخاشگری به مثابه ی راه حل امور، افزایش جرم و بزه کاری، حساسیت زدایی کاربران نسبت به پرخاشگری، تربیت شخصیت های خشن و کینه جو و نظایر آن یاد شده است.

در عنوان بعد «هویت جدید زن» که توسط بازی های ویدیویی مطرح می شود، مورد بحث قرار گرفته است. هویتی که بازی های رایانه ای به زن می بخشند، از سویی هویتی کالایی و از سوی دیگر هویتی خشن و ستیزه جوست. در غالب بازی های مزبور، برهنه بودن و برهنه شدن، به عنوان وجه شاخص جنس زن مطرح است و جذابیت جنسی او مستقیم و غیر مستقیم مورد تأکید قرار می گیرد. به همین ترتیب، طراحان بازی های اخیر، با تهی کردن و عاری کردن زن از عواطف درونیش، نقش یک موجود خشن، بی رحم و بی عاطفه را به وی بخشیده اند و پس از ادغام برهنگی و خشونت زن، اوج شکوفایی وی را در ستیزه جویی در کنار مردانی پرخاشگر، خشن و ستیزه جو ترسیم کرده اند.

«قمار و قماربازی»، از دیگر تبعات روانی - اجتماعی است که در بازی های رایانه ای ملاحظه می شود. به این معنا که بحث قمار در عرصه بازی های الکترونیکی در غرب در حد گسترده و وسیعی مطرح بوده، بعضاً با موضوع های هیجان انگیز دیگری، مانند جذابیت های جنسی جنس مخالف، آمیخته شده است؛ اما اقشار قابل تأملی از کاربران بازی های ویدیویی

برای هیجان جویی بیشتر، بازی های رایانه ای را عرصه شرط بندی و قمار خود کرده، این مسئله بر بازی آنان سایه افکنده است.^۱

در فراز بعدی این قسمت، «بزهکاری» به عنوان یکی از دیگر پیامد های بازی های رایانه ای مطرح شده است. به این معنا که وقتی بازیگری خود را ملزم به انجام بازی ببیند و از طرف دیگر ملاحظه کند که پول لازم برای آن را ندارد، ممکن است در یک جمع بندی ساده، تصمیم به انجام کار های خلاف گرفته، به این ترتیب درصد فراهم آوردن پول لازم، برای انجام بازی مورد علاقه اش بر آید.

در عنوان بعدی اثرات روانی - اجتماعی بازی های رایانه ای، مسئله «وابستگی و اعتیاد به این بازی ها» مطرح شده است.

جذابیت بازی های مزبور در حدی است که گاه کودکان، نوجوانان و بزرگسالان را برای ساعت ها در برابر دستگاه های الکترونیکی میخکوب می کنند و ادامه این وضع، رفته رفته به وابستگی و اعتیاد به بازی های اخیر می انجامد. در این حالت افرادی که نسبت به نوع بازی ها، نوعی وابستگی روانی یافته اند، خود را ملزم می بیند که حتی اگر شده، از وقت درس، مشق، امتحان یا کسب و کارشان زده، برای چند ساعت به انجام بازی های دلخواه شان پردازد تا تنش روانی آنان، کاستی بگیرد.^۲

^۱. همان

^۲. مرتضی، منطقی، بازی های ویدیویی - رایانه ای، چاپ دوم، تهران، ناشر: عابد، بهار ۸۷، ص ۱۴۷-۱۴۵

گفتار پنجم: شیوه ها و روش های تهاجم فرهنگی

۱-۵- ایجاد بدبینی نسبت به فرهنگ و آداب و رسوم جوامع مورد هجوم

از مؤثرترین راه های هجوم فرهنگی دشمنان انسانیت و بشریت، ایجاد جو بدبینی نسبت به فرهنگ و آداب و رسوم آنهاست. معمولاً این روش با تبلیغات گسترده همراه است، راه ها و شیوه های این مطلب نیز گوناگون است. مثلاً تبلیغ می شود که قوانین و احکام دست و پاگیری در جامعه مسلمین وجود دارد که عامل عقب ماندگی ایشان است اگر بتوانند مسلمین این زنجیر را بگسلند آنگاه راه برای پیشرفت آنان باز می شود. از جمله آنها همین حکم دست و پا گیر حجاب زنان که باعث شده است نیمی از جامعه مسلمین عملاً در این محدوده زندانی شوند و نتوانند در پیشرفت جامعه سهمی داشته باشند. لذا تنها راه موفقیت این است که زنان را از این قید حجاب بیرون آورید. آنگاه شاهد پیشرفت های مختلف خواهید بود. این یک نمونه از استدلالات دشمن اسلام برای بدبین کردن مسلمین نسبت به احکام اسلامی است. وقتی دشمن فرهنگ و جامعه مورد هجوم را از درون تهی و بی محتوا کرد آنگاه فرهنگ خود را جایگزین آن می کند.^۱

مسئله ی کشف حجاب رضاخان به طور قطع موضوع ساده ای نبود. در آنجا نیز دشمنان قبل از اقدام به این کار تبلیغات گسترده ای به راه انداختند که حجاب مانع پیشرفت است. حجاب زن را عقب مانده نگه می دارد و با تبلیغات و حيله های گوناگون جو را آماده کردند

^۱. همان

سپس اقدام به آن کار کردند. و از دیگر نقشه ها در این زمینه رواج زبان بیگانه و از بین بردن تعصب به زبان خودی در بین جوامع مورد هجوم است.^۱

۲-۵- ایجاد بدبینی بین مردم نسبت به علمای دین

دشمن با ایجاد تفرقه و جدایی بین مردم و علمای دین باعث می شود مردم نسبت به دین و احکام الهی بدبین شوند. در اینصورت راه برای تهاجم فرهنگی دشمن هموار می شود، دشمنان اسلام همواره در صدد این بودند که مردم را نسبت به علمای دین بدبین نمایند. حال این بدبینی یا از طریق اشاعه تهمت ها و سخنان دروغ و نارواست یا از طریق دیگر. در انقلاب اسلامی، نیز این مورد به وضوح دیده شده است.

مقام معظم رهبری در این باره فرموده اند:

« از دوازده سیزده سال پیش به این طرف، همان اول انقلاب دائماً رسانه های جمعی و شبکه های تبلیغاتی استکبار و صهیونیسم به اشکال مختلف علیه روحانیت حرف می زدند، مسخره می کنند، دروغ می گویند و تهمت می زنند. چیزهایی که خودشان و نوکرانشان و دست نشاندهانشان شایسته آن هستند، به علمای بزرگ، متفکرین و دانشمندان دینی نسبت می دهند.^۲»

۳-۵- ایجاد فاصله و جدایی بین مردم و مسئولین

یکی از مواردی که در تهاجم فرهنگی دشمنان حکم مقدمه و زمینه چینی را دارد، جدایی بین مردم عادی و مسئولین یک نظام است. وقتی مردم بین خود و مسئولین حکومتشان جدایی

^۱ .عباس، فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، ص ۹۰

^۲ . همان، ص ۹۱

و فاصله احساس کردند، نسبت به ایشان بدبین می شوند. در این هنگام محیط برای هجوم دشمن در بُعد فرهنگی و فکری آماده می شود.

این که امام علی (علیه السلام) در زمان خلافتشان با بعضی از فرماندارانش به تندی برخورد می فرمود به همین دلیل بود. حضرت در نامه ای به عثمان بن حنیف انصاری نوشت: «شنیده ام مهمانی ای دعوت شده ای که بر سر آن سفره رنگین طعام مختلف بوده است و تو آن دعوت را پذیرفته ای و بر سر آن سفره حاضر شده ای که دعوت شدگان همگی از اغنیای قوم بوده اند. فکر نمی کردم بر سر آن سفره حاضر شوی در حالیکه افراد محتاج و فقیر جامعه در آن مهمانی حضور نداشته و دعوت نشده اند»^۱.

زندگی پیامبر (ص) و ائمه اطهار بایستی برای مسئولین حکومت اسلامی الگو و سرمشق باشد. اینکه پیامبر (ص) از نظر وضع زندگی و مادیات خود را در حد پایین ترین افراد جامعه حفظ فرمود، برای این است که به دیگران بفهماند پیامبر که مسئولیت حکومت را برعهده دارد با افراد جامعه از نظر مادیات و متاع دنیایی هیچ فرقی ندارد. عزت و کرامت در اسلام به رعایت تقوای الهی است. اگر فرهنگ تجمل گرایی و پرداختن بیش از حد به دنیا بین مسئولین حکومت اسلامی رواج پیدا کند جامعه آماده پذیرش وساوس دشمنان اسلام می شود.^۲

۴-۵- تحقیر مفاخر ملی و بی اعتنا کردن مردم نسبت به گذشته و تاریخ خود

یکی از روشها در تهاجم فرهنگی آن است که جوی به وجود آورد که در آن ملت مورد هجوم آنگونه که او می خواهد فکر می کند، آنچه او می خواهد، بخواهد و در نتیجه کاری را

^۱. همان

^۲. . همان، ص ۹۴

که منظور اوست انجام دهد. برای رسیدن به این هدف، الزاماً باید مردم فرهنگ اصیل خود را فراموش کنند و رابطه آنان با گذشته، میراث فرهنگی و دستاوردهای پیشینیان قطع شود. تا این تخلیه فرهنگی صورت نگیرد، القا و تزریق فرهنگ مورد نظر امکان پذیر نیست. ملتی که گذشته پرافتخار خود را به یاد دارد و خود را در بنیان گذاری تمدن و پیشرفت های علمی و روز سهیم و شریک می داند، هرگز حاضر نیست در برابر فرهنگ بیگانه تسلیم شود. هر چند کشورش تحت اشغال نیروهای دشمن باشد، نمونه های فراوانی در تاریخ وجود دارد که فرهنگ نیروهای اشغالگر در برابر فرهنگ ملت به ظاهر مغلوب، رنگ باخته و در آن استحاله شده است.

مفاخر علمی ما در دوران معاصر کم نبوده اند. در زمینه های مختلف علوم، دانشمندان فراوانی داریم که در مراکز علمی و پژوهشی کشورهای مغرب زمین به تدریس و تحقیق مشغول اند. آگاهی مردم به این حقایق، به معنای کند شدن حربه دشمن در تهاجم فرهنگی و شکست آن است. پس مهاجمان فرهنگی برای به ذلت کشاندن مردم، مفاخر آن را تحقیر و سعی در زدودن یاد آنان از اذهان می کنند.^۱

۵-۵- رواج فساد و فحشا به خصوص در بین جوانان

استکبار جهانی بهتر از هر کسی می داند که هر چه زمینه های فرهنگی جوانان با باورهای مخرب و مبتذل پر شود دوام سیاسی و اقتصادی و سیطره اش بر عالم بیشتر می شود. برای این منظور با ورود گروه های فاسد اخلاقی و ابتذال رفتاری در ایران به دنبال این هدف است.

^۱ . همان، ص ۱۰۲

«در سابق برنامه های حساب شده ای بود که جوانان ما را به انحراف بکشند و می خواستند از طریق های مختلف آنها را از محتوا خالی کنند. یک وقت از راه مواد مخدر، یک وقت هم با ایجاد مراکز فساد، چون کسانی که در مراکز فحشا می روند دیگر نمیتوانند فکرشان صحیح باشد، عملشان یک عمل صحیح باشد. در نتیجه در مقابل کسانی که می خواهند به اسلام و کشورهای اسلامی تجاوز و خیانت کنند، کسی نتواند ایستادگی کند. آنها می دانستند که بچه ها و جوان ها وقتی به این مجلات عادت کردند دیگر سراغ فکر دیگر نمی روند.

« در دی ماه ۱۳۶۳ کنفرانس به اصطلاح علمی و تحقیقاتی از سوی رژیم اشغالگر قدس برگزار گردید که هدف اصلی از برگزاری آن تحقیق و تفحص پیرامون دستیابی به بهترین راه حل برای مبارزه با مذهب تشیع و انقلاب اسلامی ایران اعلام شد.

در این کنفرانس که بسیاری از محققان و خاور شناسان آمریکایی و اسرائیلی شرکت داشتند، پس از مذاکره ها و تحقیق های مفصل و طولانی مهم ترین و مؤثرترین روش مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی به این شرح اعلام گردید:

« اشاعه فساد، توزیع مواد مخدر و تبلیغ و ترویج فرهنگ پوچ گرایی در میان مسلمانان به ویژه جوانان ایرانی». آسیب پذیرترین قشر در مقابل رواج فساد و فحشا، جوانان و نوجوانان هستند زیرا شالوده فرهنگی آنها هنوز تکوین نیافته و پذیرش فرهنگی بالایی دارند.^۱

^۱ . عباس، فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، ص ۱۰۵

۶-۵- شایعه پراکنی

امروز «شایعه» به عنوان یکی از شیوه های مهم جنگ روانی مطرح است و پدیده ای است که بر اساس شنیده ها و زمینه های قبلی افکار عمومی شکل می گیرد. شایعه یا از خبر ناشی می شود و یا بر پایه هیاهویی بی اساس بوجود می آید. به کمک شایعه می توان تمایلات و امیال ذهنی یک طبقه و قشر اجتماعی را به صورت واقعی عینی نشان داد. شایعه در ارتباط با مسائل روز و به طور مبهم مطرح می شود و به نسبت اهمیت و ابهامی که در زندگی اجتماعی دارد، بر سر زبان ها می افتد. یکی از علل مهم گسترش شایعه، فقدان اطلاعات درمورد موضوعات مهم است. مردم خواهان اطلاعات در مورد موضوعاتی هستند که بیش از همه آن ها را نگران می کند. هر قدر نگرانی آن ها بیشتر باشد، اطلاعات بیشتری را طلب می کنند. در این وضعیت، شایعه به راحتی گسترش میابد. چون مردم دنبال اطلاعات هستند و هر چیزی را که به عنوان خبر پخش می شود می پذیرند.

از سوی دیگر، اطلاعات واقعی که جلوی شایعه دروغین را بگیرد در اختیار ندارند. نارضایتی، سرخوردگی، ملال و بیکاری موجب گسترش شایعه در اجتماعات کوچک میشود. وجود سانسور در رسانه های همگانی به گسترش شایعات کمک می کند؛ زیرا اگر اخبار از منابع اصلی انتشار خبر، یعنی وسایل ارتباط جمعی به طور دقیق منتشر شود، شایعه زمینه انتشار پیدا نمی کند. شایعه نقش مؤثری در جنگ های روانی دارد؛ زیرا بدون آنکه برچسب منفی تبلیغات بخورد، شنونده آن را می پذیرد.^۱

^۱ . حسین، متفکر، جنگ روانی، همان، ص ۱۱۶-۱۰۱

۷-۵- ترور

ترور یا تهدید، تلاش در برانگیختن ترس و هراس در مخاطب جهت تحت فشار قرار دادن وی برای اطاعت و تسلیم بوده و یکی از موثرترین شیوه های جنگ روانی است. اصطلاح ترور دربرگیرنده مراتب و درجات متعددی از ایجاد نگرانی، دلهره و ترس با قتل و کشتار فیزیکی و ترور شخصیت است.

به طور کلی ترور بر دو نوع است:

ترور شخصی و ترور شخصیت.

ترور شخصی همان فیزیکی است که در آن، جسم شخص مورد تعرض قرار می گیرد. اما در ترور شخصیت، سعی در مخدوش کردن حیثیت شخص است. ترور شخصیت به عنوان یکی از موثرترین شیوه های جنگ روانی است که دارای قدمت دیرینه بوده به طوری که دشمنان در صدر اسلام با استفاده از ترفندهای مختلف، سعی در خدشه دار ساختن حیثیت پیامبر(ص) داشتند، تا از این طریق بتوانند حیثیت پیامبر(ص) و دین اسلام را زیر سوال ببرند. دشمنان اسلام، علاوه بر ترور شخصیت بنیانگذار اسلام، در عصر کنونی نیز سعی در خدشه دار نمودن شخصیت های مذهبی می نمایند که در زیر چند مورد از آن را بررسی می کنیم:

الف) به عنوان نمونه، یکی از استادان ایران شناسی دانشگاه آمریکا در مورد در مورد امام راحل(قدس سره) چنین اظهار نظر می کند: او (امام خمینی) مصممانه آرام است و نمی گذارد حتی ظاهری قهر آلود داشته باشد، خصوصیت برجسته او بی احساسی اوست. ب)

مرحوم آیت الله مجاهد، مرحوم آخوند خراسانی، آیت الله بروجردی (ره) و سایر علمای دیگر را حقوق بگیران انگلیسی معرفی می کنند.^۱

بدین ترتیب، ترور شخصیت به عنوان یکی از کارآمدترین شیوه های جنگ روانی است که از صدر اسلام تا امروز مورد توجه کفار و استکبار جهانی بوده و در مقاطع زمانی مختلف و در شرایط خاص از این شیوه بهره برداری می شد. امروزه استکبار جهانی، به ویژه آمریکا و اسرائیل سعی در مخدوش نمودن شخصیت رهبران مسلمانان و حیثیت آنها داشته تا از این طریق بتواند چهره رهبران بزرگ اسلام را کمرنگ جلوه داده و به مطامع و اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود نایل آیند. همچنین از این راه اقدامات رهبران مسلمین جهان را بی اهمیت جلوه دهند. نمونه بارز همین شیوه های جنگ روانی بالاخص ترور شخصیت، اهانت به ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص)، حضرت مریم توسط صهیونیست ها بود که با واکنش شدید مسلمانان جهان مواجه گردید.^۲

نتیجه:

دشمن با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مخصوصاً اینترنت و ماهواره توانسته فرهنگ مورد نظر خود را که، فرهنگ فساد و ابتذال است، تا حدودی به جوامع اسلامی منتقل سازد.

^۱. همان

^۲. همان، ص ۱۵۵

بخش سوم

**بررسی پیامدهای تهاجم
فرهنگی و ارائه راهکارهای
مقابله با آن**

فصل اول:

پیامدهای تهاجم فرهنگی

مقدمه

مجموعه تهدیدهایی که در حوزه اجتماعی مطرح است، به گرایش‌های روزمره‌ی مردم در زندگی و علایق آنان به انواع مد و شیوه زندگی و تقلید از سبک زندگی دیگران مربوط می‌شود. از مهمترین مؤلفه‌های این تهدید ترویج مدل زندگی آمریکایی در بین دیگر ملل است که از آن، به عنوان سبک زندگی آمریکایی یاد می‌شود. این تهدید، با ایجاد ذهنیت و زمینه سازی برای پذیرش فرهنگ مهاجم، باعث تضعیف یا از بین رفتن آداب، سنن و رسوم ملی، منطقه‌ای و محلی می‌شود.

گفتار اول پیامدهای اجتماعی تهاجم فرهنگی

۱-۱- ناتوی فرهنگی میکوشد تا هویت ملی جوامع بشری را نابود سازد و پوچی و نابودی هویت ملی جوامع را خواستار است. و خواستار بحران هویت و پوچی در جوامع اسلامی- انسانی است تا از این راه بتوانند با بهره‌گیری از خلاء ایجاد شده در سطح افکار عمومی جامعه به خصوص جوانان، هویتی که متناسب و تأمین کننده منافع آنان است را جایگزین هویت اصلی جوامع کنند.^۱

^۱ . جمعی از نویسندگان اداره سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بصیرت پاسداری، چاپ اول، مرکز چاپ حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دی ماه ۱۳۸۷، ص ۸۳

۲-۱- ترویج فرهنگ ابتذال و تضعیف دین

ناتوی فرهنگی مروج اصالت لذت است. و ملتها را به پذیرش فرهنگ ابتذال دولت های استعماری ترغیب می نماید و می کوشد در جهت تضعیف اراده و تعهد دینی به ترویج لابیگری و بی قیدی و اشاعه ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی بپردازد که نقطه مقابل آموزه های مذهبی و اسلامی یعنی تعهد و تقید نسبت به احکام و مقررات شرع مقدس در چهارچوب اصول و مبانی دینی در جامعه و التزام به باید و نبایدهای دینی و رعایت ارزش ها در روابط اجتماعی می باشد.

معظم رهبری در این خصوص می فرماید: « دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا سعی می کند جوانهای ما را از دست ما بگیرد کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن کند، نه تنها یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت شیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است، امروز دشمن دارد این کار را با ما می کند^۱.

۳-۱- متزلزل کردن بنیان خانواده

غربی ها به زن خیانت کردند، تمدن غربی به زن هیچ نداده است. اگر پیشرفت علمی، سیاسی و فکری هم در زنان دیده می شود، مال خود زن هاست. در هر کشوری چنین پیشرفت های نصیب زن شود- که در ایران اسلامی و در کشورهای دیگر هم شده است- مال خود زن هاست. آنچه که غربی ها به آن دامن زدند و تمدن غربی پایه گذار خشت کج و بنای کجش بود، بی بندوباری و ابتذال زنانه است. زن را به ابتذال کشانده اند و در داخل خانواده او

^۱. همان

را هم اصلاح نکرده اند. مکرر در مطبوعات آمریکایی و اروپایی میزان بالای زن آزاری ها و شکنجه ها و بی مهری ها منتشر شده است. فرهنگ غربی در مورد زن و بی بندوباری و به ابتذال کشاندن زنان آن مناطق، موجب شده است که بنیان خانواده، سست و متزلزل گردد و خیانت زن و مرد به یکدیگر، در داخل خانواده چندان مهم شمرده نشود. فرهنگ غربی در مورد زنان باید در موضع مدافع قرار گیرد؛ باید از خودش دفاع کند؛ اما غلبه و سلطه سرمایه داری و رسانه های مستکبر جبار غربی قضیه را به عکس می کنند. آنها می شوند طلبکار، می شوند مدافع حقوق زن، به قول خودشان و به اصطلاح خودشان! در حالی که چنین چیزی نیست.^۱

۴-۱- بی حجابی

برهنگی همراه با فعالیت شدید غریزه جنسی از مختصات تمدن جدید غرب است. این تمدن از بدو ظهور خود تا کنون، مثل یک ابر تیره سعی داشته است تا آسمان سراسر جهان را بپوشاند و همه ی زمین را از آفتاب حقیقت محروم سازد و صد البته مملکت ما نیز از سایه شوم این ابر زحمت در امان نمانده است. یکی از ثمرات هجوم غرب به ایران همین تغییر لباس و رواج برهنگی در میان قشرهایی از جامعه بوده است و از آن در رژیم طاغوت تحت عنوان «کشف حجاب» و در این اواخر «رفع حجاب» یاد می شود و در حقیقت چیزی جز مبارزه با پوشش اسلامی و ترویج لباس غربی نبود.^۲

^۱ . محمد، توکلی، گلبرگ امین (مجموعه بیانات مقام معظم رهبری)، ج ۴، چاپ دوم، انتشارات نگین سبز، زمستان ۸۸، ص ۱۸۵

^۲ غلامعلی، حدادعادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، چاپ ۵، تهران، انتشارات سروش، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، کتابخانه دیجیتالی قائمیه، ۱۳۸۹

۵-۱- ایجاد تغییر در باورها

مهم ترین و اصلی ترین هدف جنگ نرم را باید ایجاد دگرگونی در باور های جامعه دانست. باورها، اساس حرکت جامعه اند. بنابراین، اگر کسانی بخواهند در مسیر حرکت یک ملت و جامعه خلل یا تغییر ایجاد کنند، باید به سراغ تغییر باور های آن ها بروند از این رو در جنگ نرم، اساسی ترین هدف، ایجاد تغییر در باور هاست.^۱

۶-۱- ایجاد تغییر در رفتار

رفتار های جامعه، بر باورها و چگونگی اندیشیدن افراد آن جامعه، مبتنی است. با ایجاد دگرگونی های اساسی در این مبانی، مدل های رفتار در حوزه های گوناگون تغییر می کند. در واقع، مدل های رفتاری در هر جامعه، بر اساس نوع باورها و چگونگی اندیشه در آن جامعه، شکل می گیرد. بی گمان با تغییر هر نوع باور و اندیشه، مدل های رفتار جدید، بر اساس باورها و افکار جدید جایگزین مدل های پیشین می شود.^۲

۷-۱- گسترش مواد مخدر

فرهنگ غرب به دلیل ماهیت از خدا بریده اش، فرهنگی منحط و عاری از بنیادهای ارزشی و آرمانی است. مردمان فرورفته در منجلاب زندگی ماشینی و جامعه تهی از پیوندهای عاطفی و معنوی در راه گریز از وضع موجود، در جست و جوی پناهگاهی آرام بخش به مواد

^۱ . صدیقه، حسینی، اهداف فرهنگی در جنگ نرم رسانه ای، همان، ص ۹۰

^۲ . همان، ص ۹۱

افیونی و دارو های روان گردان روی می آورند. این روی آوری، در کشورهای زیر سلطه در دامنه ای وسیع تر صورت می گیرد. زیرا از یک سو خودباختگان به دلیل سر خوردگی های اجتماعی و الگو قرار دادن شخصیت های هنری- اجتماعی دنیای غرب بدین مواد دلبستگی نشان می دهد. و از سوی دیگر شبکه های اهریمنی و دست اندرکاران فرهنگی نظام سلطه، برای جلوگیری از بیداری جوانان، گسترش مواد اعتیاد آور را در برنامه های خویش می گنجانند. بدین ترتیب آمار قربانیان مواد افیونی روز به روز فزونی می یابد. البته گسترش مواد روان گردان تنهایی به بهای از کار افتادن نیروی جوان جامعه صورت نمی پذیرد؛ بلکه آمار مفاسد، نابهنجاری ها و بزهکاری های اجتماعی را نیز به نحو شتابنده ای بالا می برد، زیرا از یک سو انبوه مبتلایان و معتادان برای دستیابی به مواد مورد نیاز به ارتکاب انواع جرایم مانند سرقت، خودفروشی و... تن می دهند و از سوی دیگر، فروپاشی خانواده های گرفتار، افزایش طلاق، زنان و فرزندان بی شماری که اغلب آلوده و منحرفند، در سطح جامعه پراکنده می شوند.^۱

۸-۱- فرار مغزها

سودجویان غرب به غارت منابع طبیعی بسنده نمی کنند. بلکه همواره اندیشه چپاول نیرو های انسانی را نیز در سر می پروراندند. بر اساس آمار های موجود، امروزه بیش از چهار میلیون نفر از دانشمندان جهان سوم در کشورهای پیشرفته زندگی می کنند. راستی این رقم دانشمندان جذب شده از کشورهای عقب مانده چه نقش عظیمی در رشد کشورهای پیشرفته و صنعتی

^۱ مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، تهاجم فرهنگی، ویژه نامه نشریه مکتب جبهه، تهران، انتشارات: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

نمایندگی ولی فقیه مرکز فرهنگی معاونت، ۱۳۷۸

دارد و چه خسارت سنگینی برای کشورهای جهان سوم محسوب می شود. گریز مغزها نه تنها پیشرفت کشور های عقب نگاه داشته شده را دشوار می سازد بلکه این کشورها ناچار می شوند تا نیروی متخصص مورد نیاز خویش را به بهای بسیار گزاف از ممالک توسعه یافته و صنعتی وارد کنند؛ نیروهایی که اغلب در پوشش کارشناس و عناوین علمی دیگر به جاسوسی پرداخته و در جهت تهی ساختن مراکز علمی و صنعتی جهان سوم از دانش و تکنولوژی، و در نهایت ایجاد مانع در راه استقلال واقعی آنان تلاش می کنند. سود جویان غرب با استفاده از برنامه های مخرب در سطح دانشگاه ها، زمینه را برای گریز متخصصان فراهم می آورند^۱.

۹-۱- گسترش اسلام آمریکایی و کم رنگ شدن اسلام حقیقی

آمریکا به کمک برخی از کشورها یک نوع بینش و منش ارتجاعی را به اسم اسلام تبلیغ می کند. این بینش و منش می کوشد تنها با نهضت بیدارگر تشیع نبرد کند. در این بینش از مفاهیم کفر برانداز و دشمن کوب و پیشرو هیچ سخنی به میان نمی آید. آمریکا می خواهد با ترویج این منش، عطش فزاینده اسلام خواهی را به شیوه کاذب اشباع کند و با گسترش اسلام آمریکایی از تنش های خروشنده در آسیا و آفریقا بکاهد و اسلام گرایی بی گزند را جایگزین نهضت های توفنده، و اصیل اسلامی گرداند. استکبار برای رسیدن به این هدف شوم از حربه های زیر مردم می جوید:

- تشویق و تحریص به کارهای خرافی و منسوب کردن آنها به دین و سپس حمله کردن به

آن خرافات.

^۱. همان

- ایجاد شک و شبهه در اصول دین و تشکیک در باورهای مذهبی.
- کوشش در بزرگ جلوه دادن مستحبات فردی و کوچک کردن انجام واجبات اجتماعی در سیر حاکمیت دین.
- ایجاد نزاع ها در مذهب و کوشش در تشدید آنها.
- جستجو کردن در موارد اختلاف بین مذاهب و تلاش در شدت و کثرت آنها.
- پررنگ کردن تنش میان ادیان
- تبلیغ با آخرین وسایل و ابزار در مورد اختلاف ها و جعل و تحریف اخبار و مباحثه ها و مناقشه ها.^۱

طاغوت، خواه فرد یا طایفه یا جماعت یا هرکسی و هر چیزی که باشد، خوش ندارد که مردم به خدا ایمان داشته باشند و او را چنان که شایسته و سزاوار است، عبادت کنند. زیرا زمان و مکانی که خدا در آن سرور و مولا باشد، جای زیست و فعالیت نیست، بلکه زیست و فعالیت طاغوت بستگی مستقیم به انحراف مردم از عبادت خدا دارد، تا با استفاده از این وضع و فرصت بتواند هوا و هوس و خواسته های خود را به ایشان تحمیل کند.^۲

۱۰-۱- ترویج پوچ گرایی

بعضی درباره آینده به تردید می نگرند که اساساً آیا بشر آینده ای دارد، یا آینده ای ندارد؟ در اینکه فنا و نیستی، جامعه بشریت را به دست خود بشر تهدید می کند، سخت در تردیدند.

^۱. همان

^۲. عباس، فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، بی جا، ناشر: شکوفه یاس،

بهار ۱۳۸۹، ص ۱۳۲

در جامعه های غربی و در میان روشنفکران و دانشمندان غربی این تردید زیاد به چشم می خورد. گروه هایی دیگر از این هم بالاتر، نسبت به آینده بشریت مأیوس اند و نسبت به سرشت انسان به نهایت درجه بدبین هستند. اینها معتقدند که سرشت انسان همان سرشت حیوانیت، شهوت پرستی، خودخواهی، فریب، دروغ، ظلم و ستم و از این قبیل چیزهاست و از اولی که دنیای انسان و زندگی اجتماعی انسان برقرار شده است، صحنه زندگی اجتماعی، صحنه شر و فساد انسان بوده است، چه در دوره توحش انسان و چه در دوره تمدن انسان، در ماهیت آنچه انسان وحشی می کرده و آنچه انسان متمدن می کند، تفاوتی نیست، در صورت و شکل آنها، تفاوت است. نتیجه چیست؟

می گویند نتیجه یأس و ناامیدی است. چاره چیست؟ می گویند انتحار دسته جمعی، خودکشی! خوشبختانه در میان ما این فکرها کم است، اگر نبود که من اصلاً اسمش را هم نمی بردم ولی چون به مقدار کم هست و میدانم به ویژه در میان طبقه دانشجوی این فکرها کم و بیش ممکن است وجود داشته باشد و در لابه لای کتابهایی که مطالعه کرده ام آمده است، لذا به آن اشاره می کنم. این فکر در دنیای اروپا به شکل های مختلف رایج است.

آمار نشان می دهد که علی رغم این همه رفاهی که در دنیای متمدن وجود دارد، آمار خودکشی ها روز به روز بالا می رود؛ آمارهای این ها را در همین روزنامه ها و مجلات خودمان می بینیم که هر سال از سال قبل بیشتر بالا رفته است.^۱

^۱ . حسن، ابراهیم زاده، غرب شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹

گفتار دوم: پیامدهای اقتصادی تهاجم فرهنگی

۱-۲- مصرف گرایی

مصرف گرایی اسطوره ای است که فرد را با مصرف کردن خشنود می کند و حس یکپارچه بودن با دیگران را به او می بخشد: زمانی که ما به روند مصرف زدگی مبتلا می شویم، در خرید همیشگی کالاها و خدمات جدید درگیر شده ایم، در حالی که هیچ توجهی نداریم - یا توجه اندکی داریم - که آیا به این کالاها و خدمات نیاز داریم یا نه و قابلیت دوام آنها، مبدأ تولید و یا پیامدهای زیست محیطی تولید و مصرف آنها چیست. مصرف زدگی سوخت لازم را برای نابودی اقتصاد مولد فراهم می آورد و این کار را از طریق حمایت و تشویق فروش کالاها یا خدمات، بی آنکه کیفیت، مبدأ، آسیب های زیست محیطی یا تست های تولیدی آنها از طرف خریدار مورد بررسی قرار گیرد، انجام می دهد. مصرف زدگی وقت گران بهای ما را از ما می رباید. ما برای خرید چیزهایی که معمولاً هر چه بیشتر می رویم، زمان کمتری برای بهره مندی از آنها در اختیار داریم، زمان را با پول مبادله می کنیم. در مدت زمان کوتاهی که برای آسایش و آرامش برایمان باقی می ماند، این زمان را مقابل تلویزیون صرف می کنیم تا در آن، برنامه های پیش پافتاده و وقت پرکنی را تماشا کنیم که تهیه کنندگان، آنها را در بین آگهی های تجاری که هر روز چشم گیرتر می شوند، تعبیه می کنند؛ آگهی هایی که هدف از تهیه آنها، ایجاد میل و هوس بیشتر در مخاطب، به داشتن چیزهای بیشتر است؛ چیزهایی که ما

مجبوریم برای خرید آنها ساعات بیشتری را کار کنیم. مصرف زدگی با سرقت وقت، تأثیری زیانبار بر زندگی خانوادگی می گذارد.^۱

یکی از اثرات تهاجم فرهنگی از دید اقتصادی ترغیب ملت ها به مصرف هر چه بیشتر و آن هم مصرف کالاهای لوکس و غیر ضروری غربی است. اشاعه فرهنگ خرید از طریق برنامه های ماهواره ای از مهم ترین اهداف استکبار جهانی به شمار می رود چون این برنامه ها به طور مستقیم و غیر مستقیم حاوی تبلیغاتی هستند که نه تنها مردم را به خرید کالاهای تولید کشورهای صنعتی ترغیب می کنند بلکه ارزش های اقتصادی و بومی ملت ها را نیز تحت الشعاع قرار می دهند. چرا که اگر تا دیروز مصرف به مقدار زیاد و یا کمتر مصرف کردن و یا استفاده از یک تولید تا آن جا که ممکن بوده به عنوان ارزش محسوب می شد، امروز دیگر یا بی اهمیت است و یا حتی ضد ارزش به حساب می آید.

سیاست نوین اقتصادی که منشعب از لیبرالیسم اقتصادی و سیاست درها باز است به جهت ویژگی ساختاری خویش به دنبال خود، فرهنگ مصرف گرایی، تمایل به لوکس زیستی و گرایش عمومی به سوی تکنولوژی برتر و استفاده از جدیدترین صنایع تکنولوژیک بدون توجه به بار ارزشی اش را به دنبال خواهد داشت. جامعه ما هم به دلیل خصیصه سستی در دوران ستم شاهی و هم به جهت اقتصاد تک محصولی مبتنی بر صدور نفت و هم چنین اقتصاد داخلی مبتنی بر واسطه گری سالاری اش به طور بالقوه استعداد پذیرش چنین نظامی را داشته و به همین علت است که به راحتی خود را به شکل نوین اقتصادی وفق داده است.

^۱ . تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، مصرف در دنیای امروز (برگزیده مقاله های ماهنامه سیاحت غرب با موضوع مصرف)، چاپ اول، قم، ناشر: دفتر عقل، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰

هراس انگیز ترین تاکتیک در تهاجم فرهنگی غرب گستردن بی بندوباری های اخلاقی و جنسی است. آنان می خواهند برای فلج کردن نسل ها و ویرانی سازی بنیادهای اصیل فرهنگی و در هم ریزی اصالت ها و سنت هایش، فرهنگ مبتذل غرب را در بین ما بگسترانند. ازدیاد جوراب های نازک، نمود پیدا کردن کراوات، پس رفتن روسری ها، رواج نوارهای ناشایست، گسترش رمانهای جنسی، پیدایش کلپ های زیرزمینی، عروسی های ناروا، روند عشق آلود و غمزه آلود کارهای هنری، گریز از کار، آرایش ها و خودآرایهای افراطی، افزایش مدپرستی، تجمل گرایی و مصرف زدگی و... همه و همه نمودهای وحشت انگیز تهاجم فرهنگی غرب است.

یکی از پیامدهای تلخ ورود فرهنگ زندگی غربی، توسعه سریع مصرف در زندگی روزمره است، که خود منشأ بسیاری نابسامانی های بعدی است. ایجاد نگرانی از آینده خود و فرزندان، نتیجه تبعی سرعت توسعه مصرف نسبت به رشد توان تأمین مصرف القاء شده در زندگی انسان هاست، که این نگرانی زمینه ساز شکستن مرزهای عقل و شرع در تصمیمات زندگی روزمره آنها برای کسب درآمد بیشتر است^۱.

۲-۲- وابستگی اقتصادی

مردمانی که در دامن فرهنگ بیگانه پرورش یافته اند نه تنها به خطر کردن در راه رهایی کشور نمی اندیشند بلکه تنها راه نجات را در انطباق دقیق و همه جانبه خود با برنامه های آنان می پندارند. بدین ترتیب خودباختگان، با شتاب فراوان به اجرای برنامه های ارائه شده از سوی

^۱. همان

کارشناسان بیگانه می پردازند و طرح های ایشان را در بسته بندی های فریبنده ی ملی بر کشور تحمیل می کنند. ناگفته پیداست که بیگانگان هرگز برنامه هایی به زیان خویش و به سود کشورهای فرودست تنظیم نمی کنند، و پیاده کردن برنامه های آنان دست آوردی جز وابستگی ندارد. کشور ما که پیش از فروغلتیدن به دامان فرهنگ غرب از صادرکنندگان فرآورده های کشاورزی به شمار می آمد پس از اجرای اصلاحات ارضی (اوج فرمانروایی خودباختگان فرهنگ بیگانه) چنان درمانده شد که برنج، گندم، گوشت، حبوبات و بسیاری دیگر از نیازهای کشاورزی خویش را از خارج وارد می کرد.

البته فاجعه اقتصادی ایران بدین جا پایان نیافت، سرسپردگان شیطان بزرگ از آغاز چیرگی بر کشور برنامه های استعماری را به مورد اجرا گذاردند و ایران را به سوی تک محصولی و وابستگی سوق دادند.^۱

۳-۲- ترویج مدگرایی یا آسیب به تولیدات داخلی

متأسفانه در عصر کنونی بیش از پیش شاهد دختران با تیپ و پوشش غربی و پسرانی با شلوار و بلوزهای نصف و نیمه با نوشته های انگلیسی که حتی معنی آن را نمی دانند، هستیم اما در عوض با نگاه به لباس سنتی یا محلی پدر به راحتی می توان فهمید این طرز لباس پوشیدن بیگانه است. بارها در دین اسلام تأکید شده که از روی ظاهر و لباس دیگران را قضاوت نکنید، اما بین ظاهر آراسته که اسلام به آن تأکید دارد، با ظاهر پیراسته مبتذل، تفاوت زیادی وجود دارد. دشمنان در سایه بی تفاوتی خانواده ها و مسئولین فرهنگی ما با برنامه

^۱ . تهیه و تنظیم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، تهاجم فرهنگی، همان، ص ۵۴

ریزی در جنگ نرم با استفاده از ابزارهای مختلف تهاجم فرهنگی نظیر ماهواره و شبکه های اجتماعی در حال اشاعه بی حجابی و بی بندوباری هستند و شعار آنها هم این است: «بی حجاب شوید تا زیباتر دیده شوید!» یا «با تبلیغ بی حجابی محصولات خود را به فروش برسانید!».

برای روشن تر شدن نقش تهاجم فرهنگی به یک مثال کوچک بسنده می کنیم؛ در گذشته نه چندان دور که فیلم امپراطور عثمانی از شبکه های ماهواره ای پخش می شد خرم سلطان بازیگر زن نقش اول این فیلم به حدی بین مردم محبوبیت پیدا کرده بود که دشمن با برنامه ریزی از پیش تعیین شده از این امر استفاده ابزاری نمود و در برهه زمانی خاص که هنوز هم ادامه دارد، شاهد حضور پارچه ها و لباس های خارجی با نام و طرح و مد خرم سلطان بودیم. هر چه به این موضوع می نگریم، می بینیم که، واقعا متولیان امر فرهنگی در کشور ما یا غافل هستند یا تخصص ندارند؛ اما در عوض دشمن خیلی حساب شده عمل می کند و با یک تیر دو نشان می زند

گفتار سوم: پیامد های سیاسی تهاجم فرهنگی

۱-۳- سکولاریسم

امام، سکولاریسم یا جدایی دین از سیاست را زاییده ی تمدن غرب می داند که در آن جا شکل گرفت و سپس به سایر جوامع غیر غربی و از جمله کشورهای اسلامی وارد شد. از نظر امام طرح سکولاریسم در جوامع اسلامی توطئه ی حساب شده غرب برای تحریف دین اسلام و سلطه بر این جوامع می باشد. غرب با تبلیغات منفی خود اینگونه وانمود کرده است که «

اسلام دین جامعی نمی باشد، دین زندگی نیست، طرح حکومت و قوانین حکومتی نیآورده است. اسلام فقط احکام حیض و نفاس و احکام اخلاقی است» و درباره ی زندگی اجتماعی و اداره ی جامعه، مطلب مفیدی ارائه نداده است.^۱

به نظر امام، «تبلیغات غرب در ترویج جدایی دین از سیاست به حدی بوده است که حتی بسیاری از روحانیون هم باورشان آمده است که روحانی نباید در سیاست دخالت کند». آن ها فکر می کنند که باید تنها نماز بخوانند و مسئله بگویند، آن هم مسائل غیر سیاسی. امام معتقد است که ناآشنایی مسلمانان با اسلام واقعی باعث شده است که غرب در توطئه خود موفق شود. ناآگاهی مسلمانان از احکام سیاسی اسلام موجب گردیده که آنان باور کنند اسلام دین سیاست نیست و دین و سیاست هر یک به کار خود مشغول اند. از نظرایشان «طرفداری مسلمانان از سکولاریسم و جدایی دین از سیاست به منزله ی اعلان جنگ با اسلام است».^۲

۲-۳- تحقیر سیاسی ملت ها

غربی ها می کوشند با در هم شکستن روحیه استقلال خواهی ملت ها، در آن ها حس حقارت ایجاد کنند. این شگرد، در همه ی مسائل علمی، آموزشی، پژوهشی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دنبال می شود. در عرصه ی امور سیاسی، غرب نظام سیاسی خود را بی عیب و برترین و آخرین اندیشه بشر معرفی می کند. به این وسیله، اولاً ملت ها را نسبت به نظام سیاسی خودی بدبین می کند و ثانیاً، پس از زمینه های جذب آنان به نظام لیبرال دموکراسی غرب را فراهم می آورد.

^۱. همان

^۲. میثم طاهری بنچناری، فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی (ره)، همان، ص ۱۲۸

غرب برای موجه و مفید نشان دادن ساختار سیاسی لیبراسیم، به تبلیغات انبوه دست زده است. بودجه فراوانی را نیز، برای صدور دموکراسی در کشورها به کار گرفته و گاه با زبان خوش و گاه با زبان زور (اقدامات نظامی) در صدد اجرای دموکراسی غربی در این کشورها برآمده است. حاکمیت بر رسانه های جهان، برخورداری از سرمایه و بهره مندی از قدرت نظامی، نیل به این مقصود را تسهیل و تسریع بخشیده است. آغاز تحقیر ملت ها، از تحقیر مراکز آموزشی صورت می گیرد. در مراکز و نظام های آموزشی، دانشجویان جهان سومی با انبوهی از فرمول ها، معادله ها، فرضیه ها و قاعده های غربی مواجه اند که خواه و نا خواه تقلید و تکرار آن، جایگزین تأمل و تدبر می شود.

شخصیت های تحقیر شده و سرخورده؛ به تمدن غرب دل می بازند، و با نمایش دستاوردهای کمی در عرصه مسائل علمی و اقتصادی، آنها را بیش از پیش مجذوب و شیفته خود می کنند. بدین سان تعارض بین شعارها و عملکردهای غلط سیاسی و تجاوز و تعرض خود به کشورهای صاحب استقلال را در هیاهوی صلح، امنیت، آزادی و حقوق بشر محو می سازند.^۱

۳-۳- بحران مشروعیت

به عنوان نمونه، رسانه های غربی با طرح ادعاهایی چون نقض حقوق بشر، سرکوب آزادی بیان، تشدید محدودیت بر مطبوعات، تضییع آزادی گروه های سیاسی اجتماعی، صنفی، تشدید محدودیت اقوام مختلف، زنان، دانشجویان و بازداشت بعضی افراد، القاء شکاف بین مردم و

^۱ . مرتضی، شیروندی، جهانی سازی در عرصه فرهنگ و سیاست، چاپ اول، قم، ناشر: زمزم هدایت، زمستان ۱۳۸۶، ص ۵۴

رهبران، القاء نبود حمایت مردمی و مشروعیت بخشی به تصمیمات رهبران و...، در صدد به چالش کشیدن مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران هستند^۱.

۴-۳- بحران مشارکت

انگیزه زدایی و دلسرد کردن مردم برای حضور در عرصه های تعیین کننده کشور هدف مثل انتخابات (برای مثال، با مطرح کردن انتخابات ناسالم و فرمایشی در ایران و...)، از مصادیق بارز بحران مشارکت است.

۵-۳- دشمن به دنبال اباحی گری و زیر سؤال بردن اصل اعتبار انقلاب، است.

یکی از چیزهایی که دشمن به طور جدی در کشور تبلیغ می کند، مسئله ی اباحی گری است؛ اباحی گری اعتقادی و عملی، یعنی پایبندی ها و تقیدات و تکیه گاه هایی که یک انسان را در حرکت خود به سمت هدف مشخصی عازم و مصمم می کند، از او گرفتن و او را سرگردان رینگ کردن. این را باید جدی بگیرید. یکی از سیاست های دشمنان اسلام این است که ایمان مردم را بگیرند و اعتقاد آنها را به انقلاب سلب کنند. چند سالی است که این را در تبلیغاتشان شروع کردند. بنده از همان اوایلی که این تبلیغات در رفتارهای دشمنان کشور، اجرایی و عملیاتی شده بود، متوجه این نکته شدم و به همه به خصوص مسئولان فرهنگی، هشدار دادم و گفتم اینها می خواهند اصل اعتبار انقلاب را زیر سؤال ببرند^۲.

^۱ . رضا، جنیدی، تکنیک های عملیات روانی و شیوه های مقابله، ویراسته ی مهدی حاتمی نژاد، چاپ دوم، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی به نشر، ۱۳۸۹، ص ۳۶۹

^۲ . محمدحسین، جعفرزاده، منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهیه و تنظیم مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر، چاپ دوم، قم، انتشارات ولاء منتظر، بهار ۹۲، ص ۱۲۰

۶-۳- هدف تقابل اعتقادی غرب، گرفتن علاقه و ایمان، از نظام، است.

هدف از تقابل نظری و حمله اعتقادی، معلوم و روشن است. نظام جمهوری اسلامی متکی به مردم است و مردم هم با ایمان و روحیه و اعتقاد خود به این نظام علاقه مند و دلبسته اند و از آن دفاع می‌کنند؛ این حقیقت در طول این سالها فهمیده شد. اگر این ابزار از دست نظام اسلامی گرفته شود، بدیهی است برای کسی که فکری برای این کشور و این نظام در سر دارد، چقدر حائز اهمیت است. لذا دیدیم از همان سالهای ۷۳ و ۷۴ روز به روز این تقابل شدیدتر شد رخنه افکنی در مبانی اعتقادی و ارزشی نظام در سطوح مختلف شروع گردید. حتی در خود انقلاب و حتی در ریشه های عمیق تر انقلاب مانند اسلام، عاشورا، تشیع و جدا نبودن دین از سیاست- که جزو مبانی مسلم فکری در نظر متصدیان انقلاب و روشن فکران کشور و پیشروان این حرکت عظیم بود، شبهه افکنی و تردید افکنی به شکل همه جانبه و عمیق شروع شد.

۷-۳- فرهنگ تابعیت طاغوت

آنها هرکاری توانسته بودند، با این ملت کردند. نتیجه این شد که در مقابل امام، کشوری وجود داشت که از لحاظ سیاسی وابسته و تابع بود. هر کاری که دولت امریکا، در آن برهه اراده می کرد، در ایران انجام می گرفت. هر کاری می خواستند، می توانستند بکنند؛ در زمینه اقتصادی، در زمینه نفت، در زمینه انتخابات دولت ها- فلان دولت برود، فلان دولت بیاید- در زمینه ارتباطات بین المللی، در زمینه عادات و رفتاری که بر مردم تحمیل می شد، در زمینه

دانشگاه‌ها. بنابراین، هر کاری می‌خواستند در ایران بکنند، می‌توانستند. ما کاملاً تابع و وابسته شده بودیم.^۱

۸-۳- سیاست گریزی نسل جوان

سلطه جویان و مستکبران تاریخ بشر همواره از رشد سیاسی و دقت و توجه مردم به خصوص نسل جوان، نسبت به سر نوشت و مصالح و مقاصد جامعه خود سخت در و حشت و هراس بوده‌اند. حکام دست‌نشانده و قدرت‌های استبدادی به طرق مختلف مثل اشاعه و ترویج انحرافات اخلاقی، سرگرمی‌های مخرب و تخدیری، افراط در طرح و تبلیغات ورزش‌ها و مسابقات مختلف توأم با آزادی‌های جنسی، تهیه و توزیع مخدر بین جوانان سعی در استمرار سلطه جابرانه و ضد انسانی خود داشته‌اند.^۲

۹-۳- فساد در سیاست

فساد در سیاست، از جمله خصوصیات جاهلیت قرن بیستم به شمار می‌رود. در حالی که بیشتر به این اعتقاد دارند که عصر، عصر آزادی است؛ ولی با وجود این، همین عصر شاهد و ناشر فجیع‌ترین دیکتاتوریه‌های تاریخ بوده است. فساد در سیاست، از دیگر پیامدهای تهاجم فرهنگی است؛ چراکه استکبار از طریقه تهاجم فرهنگی تخدیر توده‌ها، آن‌ها را از امور جاری مملکت و دنیای خود غافل کرده و سپس سیاست‌های حکومت آنان را جهت دهند.^۳

^۱ . محمد، توکلی، گلبرگ امین، ج ۴، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات نگین سبز، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۱۷

^۲ . عباس، فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه‌یابی آن در تهاجم فرهنگی، ه چاپ اول، بی‌جا، ناشر: شکوفه یاس،

بهار ۱۳۸۹، ص ۱۴۲

^۳ . همان، ص ۱۴۱

۱۰-۳- جدایی ملت ها

جامعه اسلامی از ملل مختلفی تشکیل شده است. در گذشته اسلام از ملل مختلف و گوناگون، یک واحد به نام امت اسلامی، به وجود آورد. این واحد اکنون نیز واقعاً وجود دارد. یعنی واقعاً در حال حاضر یک واحد بزرگ وجود دارد که فکر واحد و آرمان واحد و احساسات واحد دارد و همبستگی نیرومندی میان آنان حکم فرما است؟ متأسفانه خیر! هر اندازه جدایی میان آن ها است مربوط به خود آنان نیست، مربوط به حکومت ها و دولت ها و سیاست ها است. در روزگار جدید، قدرت های اروپایی و آمریکایی، عامل اساسی این جدایی هستند. با همه اینها، هیچ یک از این عامل ها نتوانسته است اساس این وحدت را که در روح مردم قرار دارد از بین ببرد.^۱

نتیجه:

تهاجم فرهنگی هویت ملی یک جامعه را دگرگون می سازد و پایه های دین را سست و تضعیف می نماید و ابتذال را در میان مردم ترویج می دهد و باعث گسترش روحیه مصرف گرایی می گردد. همچنین مشروعیت دولت را زیر سؤال برده و مردم آن ملت را نسبت به انقلاب، بی اعتنا می کند.

^۱ حسن، ابراهیم زاده، غرب شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹. ص ۳۲

فصل دوم:

راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی

مقدمه

حال که با ترفندهای مختلف فرهنگی دشمن، برای از بین بردن انقلاب اسلامی ایران آشنا شدیم؛ در این فصل به ارائه راهکارهایی برای مقابله با تهاجم دشمنان می پردازیم.

گفتار اول: راهکار اجتماعی

۱-۱- راهکارهای دفاعی

وظیفه مردم در دفاع از فرهنگ اسلامی: مردم را از جهت اشتغال به مسائل علمی و

فرهنگی می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف: فرهیختگان مردم (حوزویان و دانشگاهیان) ب: عموم مردم

الف: فرهیختگان

وظیفه ی این قشر، به خاطر اشتغال به مسائل فرهنگی حساستر است. زیرا، از یک سو در

جبههٔ مقدم مبارزهٔ فرهنگی قرار دارند و از سوی دیگر خود، آماج تیرهای هجوم فرهنگی می

باشند. برای این گروه دو وظیفهٔ اصلی وجود دارد:

۱- هر یک از دو مرکز حوزه و دانشگاه حریم یکدیگر را بشناسند و حفظ کنند. و از

سخنانی که در اتحاد حقیقی حوزه و دانشگاه خلل ایجاد می کند جلوگیری نمایند^۱.

^۱ . همان

۲- لازم است هریک از دو مرکز مزبور، عناصر اصلی فرهنگ اسلامی را بشناسد و بشناساند. در این زمینه لازم است پایه های فهم دینی بر اساس یقین نهاده شود و با نفوذ شک و ترویج شک گرایی مبارزه شود.

بهترین راه مبارزه با شک و شک گرایی آن است که شناخت خود و دیگران را از باورها و ارزشهای دینی، مضاعف سازیم و به یقین منطقی دست یابیم. مثلاً در زمینه عقاید به یک سلسله باورهای درست و یقینی دست یابیم و آنها را به دیگران عرضه و برای آنها اثبات نماییم. و در زمینه ارزشهای اسلامی، وجود یک سلسله ارزشهای ثابت و پایدار را به اثبات برسانیم و وجه بطلان سخنان بی پایه ی کسانی که ارزشها را امور اعتباری و نیاز پرورده می دانند مدلل سازیم. و در برابر کسانی که می کوشند تا از میزان پای بندی مردم به اعمال شرعی بکاهند، خود و دیگران را به عمل کردن به مسائل شرعی واداشته و تشویق نماییم.^۱

ب. عموم مردم

وظایفی را که برای عموم مردم می توان برشمرد:

۲-۱- بسیج عمومی و آموزش دینی

در تهاجم فرهنگی، عموم مردم هدف قرار می گیرند. و از همین رو است که باید همه احساس مسئولیت کنند و در یک آماده باش سلاح علم را به دست بگیرند. همانگونه که در هجوم نظامی، همگان آموزش نظامی می بینند در تهاجم فرهنگی نیز همگان باید آموزش دینی ببینند و خودشان را مجهز کنند.

^۱ . همان

وقتی بیماری شایع می شود همه باید واکسن بزنند تا به آن مرض مبتلا نشوند. نمی توان گفت ما که مریض نیستیم پس چرا واکسن بزنیم؟ بیماری شیوع دارد دیر یا زود به همه می رسد. نباید گفت که ما شصت یا هفتاد سال از عمرمان گذشته، دیگر کافر نمی شویم. کسانی بوده اند که در هشتاد سالگی هم شک پیدا کرده اند. وانگهی ، ما باید به فکر جوانان و نوجوانان این کشور باشیم^۱.

۳-۱-۱- احیای جلسات مذهبی

وظیفه ی عمومی مردم است که در مبارزه فرهنگی مشارکت کنند. هر کسی به اندازه ای که می تواند. ساده ترین و واجب ترین کاری که از عهده هیچ کس ساقط نمی شود، خواه پیر باشد یا جوان، مرد باشد یا زن، احیای جلسات مذهبی است. جوانان ، نوجوانان، خانم ها، آقایان، بازاریان، دانشگاهیان و سایر اقشار مردم باید در سطح های گوناگون جلساتی تشکیل دهند و به شکل فعال، مطالب را مطرح کنند، سیر مطالعاتی برای خود قرار دهند، به صورت استدلالی با یکدیگر گفتگو و مناظره کنند و هر جا مشکلی پیش آمد برای حل آن نزدیک عالم بروند. هر جلسه مذهبی که بینش ما را نسبت به اسلام و ارزش های آن اندکی بالاتر ببرد یا دست کم، در همین حدی که هست نگه دارد واجب است در آن شرکت جوئیم.

هر روز باورها و ارزشهای اسلامی کم رنگ تر می شود و تنزل می کند. یکی از راههای جلوگیری از این مشکل، برگزاری جلسات مذهبی است که در آن ها اعتقادات تقویت می شود و جوانان به این راه ایمان پیدا می کنند.

^۱ . همان، ص ۱۷۲

۴-۱- برخورد دوستانه و محبت آمیز با جوانان

عموم مردم باید با جوانان و نوجوانان برخوردی مناسب داشته باشند. باید به آرامی و با نصیحت و به صورت غیر مستقیم آنها را متوجه ساخت باید وسایلی فراهم کرد تا دلشان خوش باشد، شاد باشند. مخصوصا محیط خانواده برای آن ها گرم باشد و افراد خانواده با هم مهربان باشند تا از این رهگذر انگیزه سرگرمی با فیلم های ویدیو... در آن ها کم شده و از بین برود. در خانه هایی که محیط آن ها تند و خشن است عصبانیت ایجاد می شود و بچه ها از حیط خانه فراری می شوند و به خانه همسایه و دوستان ناباب پناه می برند. نه تنها درس نمی خوانند، بلکه آلودگی اخلاقی هم پیدا می کنند. اما اگر محیط خانه محیطی گرم و سالم باشد بچه ها جذب می شوند و دوست دارند که در کنار پدر مادر، خواهر و برادر خود بنشینند و با آنها انس بگیرند و کمتر تمایل به کار خلاف پیدا کنند.^۱

۵-۱- گسترش امر به معروف و نهی از منکر

مسأله امر به معروف تکلیف همیشگی مسلمانهاست. جامعه اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر زنده می ماند. قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر است. منکرات هم اخلاقی، هم سیاسی و هم اقتصادی است. همه جا هم جای نهی از منکرات. یک دانشجو هم می تواند در محیط درس و علم نهی از منکر کند. یک کارمند شریف هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند. یک کاسب مؤمن هم در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند. یک هنرمند هم با وسایل هنری خود می تواند نهی از منکر کند.

^۱ . همان، ص ۱۷۴

شهید مطهری در این باره می فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر، یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام و به اصطلاح علت مبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمانان است. آیا یک کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائم مهندسان متخصص قابل بقاست؟ اصلاً آیا ممکن است یک سازمانی همین طور به حال خود باشد، هیچ درباره اش فکر نکنیم و در همین حال به کار خود ادامه دهد؛ ابداً. جامعه نیز چنین است، یک جامعه اسلامی اینطور است؛ بلکه صد در صد برتر و بالاتر^۱.

۶-۱- معرفی الگوهای مناسب به جوانان

جوانان و نوجوانان و حتی کودکان نیاز به الگوی رفتاری دارند. اگر ما توانستیم برایشان الگوی مناسبی معرفی کنیم، چه خوب؛ وگرنه یا خودشان به دنبال الگوی ناخواسته می روند و یا به الگوی معرفی شده از طرف دشمنان رجوع می کنند.

معرفی حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) می تواند الگوهای بسیار شایسته و مناسبی برای دختران باشند. زندگانی ائمه طاهرین (علیهم السلام) به ویژه دوران جوانی حضرت علی (ع) و زندگانی بزرگان، علما، شهدا و رزمندگان اگر خوب تبیین و تفسیر و تفهیم شود، شاید دیگر ما مشکلی از این بابت نداشته باشیم.

مقام معظم رهبری در این باره معتقد است: صدا و سیما و روزنامه نباید همه اش برای جوان، الگوی جوان اشرافی بی درد، تن به راحتی داده و عیاش را مطرح کنند. بعضی از

^۱ . احمد، طهماسبی، شیخون فرهنگی، چاپ هفتم، بی جا، انتشارات یاقوت، سال ۱۳۱۹، ص ۱۱۰

مطبوعات نباید در فلسفه بافی های خود طوری حرف بزنند که جوان خیال کند همه هدف برای انسان این است که از هر راهی شد پول به دست آورد. اگر توانست یک گواهی علمی برای خودش فراهم کند وسیله ای برای پول درآوردن در دستش هست؛ اگر نشد هر راه دیگری که شد؛ ولو قاچاق؛ ولو تن دادن به ذلت و خفت و اهانت؛ ولو با دستبرد زدن به این و آن. نباید پول را عمده کرده. پول ارزش نیست. هدف درآوردن پول نیست؛ پول یک وسیله برای گذراندن زندگی است. پول خیلی کوچکتر از این است که انسان احساس کند که به جای استعداد و ابتکار و تلاش فراوان و کسب تخصص و علم باید به سراغ پول رفت.^۱

گفتار دوم: راهکار سیاسی

۱-۲- اتحاد مردم در مقابل مخالفان انقلاب و استقلال کشور

اصرار بنده بر این است که اتحاد مردم، ملت ایران، جریانات مختلف سیاسی، همه در مقابل آن افراد معدودی که با اصل این انقلاب مخالفند، با اصل استقلال کشور مخالفند، هدفشان دودستی تقدیم کردن کشور به آمریکا و استکبار است، با یکدیگر یکی باشند. دشمن از اینگونه عناصر در داخل ملتها دارد؛ در داخل ملت ما هم اینجور کسانی هستند، معدودی از این قبیل پیدا می شوند. متن ملت، اتحاد مردم، این توده ی عظیم مردمی - از خواص تا عامه ی مردم - اینهارا باید از آن عناصر معدود خود فروخته جدا کرد؛ نباید اشتباه اتفاق بیفتد. من می بینم در بعضی از اظهارات در بعضی از حرفها، فضا آنچنان مغشوش می شود که افراد سردرگم می

^۱ همان، ص ۱۱۶

شوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگان‌شان، نسبت به مسئولان‌شان بدبین می‌شوند؛ این درست نیست.^۱

۲-۲- تقویت بصیرت و بینش سیاسی

دشمن انواع و اقسام کار را می‌کند؛ انواع و اقسام فعالیت را می‌کند؛ عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می‌نشینند طراحی میکنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تاثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند.

به نظر من یکی از وظایف اصلی امروز ما و شما، همین است: ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان شاءالله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم ... این را هم عرض بکنیم بعضی‌ها در فضای فتنه این جمله «کن فی الفتنه کأبن اللبون لا ظهر فیرکب ولا ضرع فیحلب» را بد میفهمند و خیال میکنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که «بکش کنار» این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه گر نتواند از تو استفاده کند.^۲

^۱ .گردآورنده: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، نقشه‌ی نقشه بر آب، چاپ هفتم، انتشارات

انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۴۲

^۲ . مجتبی، ابوذر، حسین، احمدی، زارع درخشان، همزاده ابیانه، از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم، همان، ص ۲۷۷

۳-۲- هجوم فرهنگی بر ضد فرهنگ غرب

حضرت علی (ع) فرمود: «...اغزوهم قبل أن يغزوكم فوالله ما غزی قوم قط فی عُقرِ دارهم الا ذلّو...» پیش از آنکه با شما بجنگند، با آنان نبرد کنید، به خدا سوگند، هر ملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد.

استاد محمد تقی مصباح یزدی بر هجوم فرهنگی بر ضد فرهنگ غرب انگشت تأکید گذاشته و بیان می کند: بالاتر از آن ما باید از شیوه های تهاجمی بر ضد آنها استفاده کنیم، همان گونه که آنها برای ترویج ارزشهای خود از این شیوه ها استفاده می کنند. ما باید هنرمندانی داشته باشیم که بتوانند ارزش های اسلامی را در فیلم، نمایشنامه، کتاب، رمان، داستان و سایر آثار هنری آنچنان زنده و ترویج کنند که بتوانیم با استفاده از وسایل هنری و تبلیغاتی، دیگران را تحت تاثیر قرار دهیم نه آنکه همیشه در مقابل دشمن موضع انفعالی اتخاذ کنیم یا در نهایت، تنها از خود دفاع کنیم.^۱

۴-۲- تقویت هویت ملی و پرهیز از اختلافات قومی و مذهبی

تقویت هویت ملی یکی از راهکار های جدی مقابله با عملیات روانی است. داشتن هویت به انسان تعلق می بخشد و برای او ایجاد مسئولیت می کند. انسان تا زمانی که به جمعیت، گروه و یا جایی احساس تعلق نکند، مسئولیتی را نیز در قبال آن به عهده نمی گیرد.

امام خمینی(ره) در دیدار با انجمن های اسلامی در ششم دی ماه ۱۳۵۹ ه.ش اهمیت وحدت را چنین مورد تأکید قرار دادند: « و آنها از پای نخواهند نشست و هر روز یک راهی

^۱ مهسا، سعید، حسین و... ماه پیشانیان، واحدی فر، عباسیان، جنگ نرم (مجموعه مقالات برگزیده همایش)، چاپ اول، مشهد، انتشارات زلال اندیشه، فروردین ۱۳۹۰، ص ۸۷

درست میکنند برای اختلاف، برای اینکه وحدت ملت را به هم بزنند و ما باید چشم و گوش خودمان را باز کنیم و هشیار باشیم که اختلافات را دامن نزنیم... دست های ناپاکی بین شیعه و سنی در این ممالک اختلاف می اندازند... اینها دست های ایادی استعمار هستند که می خواهند ذخایر ممالک اسلامی را از دست آنها بگیرند.»

به اعتقاد امام(ره) طرح مسایل و موضوعاتی از قبیل شیعه و سنی، عرب و عجم فارسی و کرد، فارس و بلوچ و ... و تحریک و تجهیز آنان علیه یکدیگر، از جمله حربه های نظام رسانه ایی غرب است.

بنابراین، لازم است تمامی دست اندرکاران عملیات روانی، با هوشیاری و حساسیت بیشتری ترفند های دشمن برای تفرقه افکنی را برملا سازند؛ برای مثال نباید تصور کرد پیامک های طنز گونه ایی که اقلیتهای قومی و مذهبی کشور ما را نشانه میگیرند، بی هدف و بدون برنامه ریزی قبلی در جامعه منتشر می شوند.^۱

۵-۲- شناخت عمیق تهاجم فرهنگی و برنامه ریزی برای مقابله با آن

مسئولین فرهنگی کشور و کارگزاران امور فرهنگی در هر سطحی باید احساس کنند که امروز سربازان این قضیه هستند و بدانند که چگونه باید دفاع کنند، مثل جنگ نظامی چشم ها را باید باز کرد و صحنه را شناخت. در جنگ نظامی هم، هر طراحی که بدون شناسایی و بدون دیده بان و بدون دانستن وضعیت دشمن چشمش را ببندد و سرش را بیندازد پایین، برود جلو شکست خواهد خورد، در جنگ فرهنگی هم همین طور است. اگر ندانید دشمن چکار می

^۱. مؤلف: معاونت سیاسی نمایندگان ولی فقیه در قرارگاه ثارالله تهران، نفوذ و استحاله، چاپ دوم، تهران، ناشر معاونت سیاسی

نمایندگان ولی فقیه در قرارگاه ثارالله، بهار ۱۳۷۸، ص ۳۵۷

کند، یا از آن کس که می داند فرمان نبرید و از فرمانده فرهنگی دستور نگیرید، یا اگر او از نیروهای شما استفاده نکند و مانور یا سازماندهی را درست انجام ندهد، پشت سرش شکست است.^۱

۶-۲- حذف باورهای غلط غربی

آن چیزی که امروز مجموعه شما و هر مجموعه ای از زنان- که در شکل ها و با هدف های مختلف کار می کنند- بر عهده دارند، این است که باور غلطی را که فرهنگ غربی و اروپایی در این ده ها سال اخیر در ذهن زنان ایرانی وارد کرده است، بزداید. البته باور غلطی هم در گذشته بوده است؛ یعنی گرایش به برخی از شکل های غلط مصرف و تجمل، از گذشته هم وجود داشته است. با ورود فرهنگ اروپایی، این مدگرایی و نوگرایی در مصرف، به شکل عجیبی تشکیل شد. این، محاسبه شده و پیش بینی شده بود. سردمداران سیاست های غربی که غالباً صهیونیست ها و استعمار گران بودند- به قصدی و با نیتی این کار را کردند. این باورهای غلط را باید بزداید؛ و این نمی شود مگر با ارایه بحث ها و کارهای اسلامی. اگر این کار بشود، ریشه این مشکلاتی که گاهی اوقات مطرح می شود- بدحجابی و رواج فساد و فحشا و این چیزها- به خودی خود خنده خواهد شد. اینها غالباً معلولند؛ علل، همان باورها و فرهنگها هستند که باید روی آنها کار بشود.^۲

گفتار سوم : راهکار اقتصادی

^۱ . همان، ص ۲۲۵

^۲ . محمد، توکلی، گلبرگ امین، ج ۴، چاپ دوم، بی جا، انتشارات نگین سبز، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۱۰

۱-۳- اصلاح الگوی مصرف

اگر بخواهیم در زمینه ی اقتصاد مقاومتی موفق باشیم، تغییر فکر و نگاه و اصلاح الگوی مصرف لازم است. در این مورد باید، انگیزه ها، اندیشه های غلط، عادت ها و سنت های غیر شرعی، قوانین و مقررات دست و پاگیر، ساختارهای اجرایی نامناسب و نیز روشهای آموزشی، با رویکرد سبک زندگی اسلامی اصلاح و بازنگری شوند. شیوهی حضرت صادق(ع) در این زمینه، بهترین الگو است. امام صادق (ع) همواره در پی اصلاح الگوی مصرف و تغییر اندیشه ها به سوی صرفه جویی بود.^۱

اکنون برخی محورهای مهم در دگرگونی الگوی مصرف را بدین ترتیب می توان مطرح ساخت:

۱- مهمترین عنصر موفقیت در مبارزه با تهاجم فرهنگی که بوسیله ی دگرگونی الگوی مصرف جامعه به معنی عام کلمه انجام خواهد شد ، جلب مشارکت مردم در این مبارزه و رساندن آگاهی ها به حدی است که هر فرد بتواند از خود و کشور در برابر تهاجم مزبور، دفاع کند. برای رسیدن به این حد از خود آگاهی ، علاوه بر ضرورت ایجاد نهاد های اجتماعی و فرهنگی بوسیله ی آنان که پدیده را بهتر می شناسند، شناخت هویت فرهنگی ایرانی که در کلیه زمینه ها بخصوص در زمینه های تهاجم فرهنگی غرب علیه کشور، ضروری است.

۲- دگرگونی در نظام آموزشی کشور به گونه ایی که هر چه سطح آموزشی بالاتر رود، اطلاع و شناخت بیشتری از کشور و مسائل آن توسط دانش آموخته حاصل شود و آمادگی بیشتری برای دفاع از هویت فرهنگی و منافع ملی، پیدا کند.

^۱ .ره توشه راهیان نور، ۱۳۹۴ www.balagh.ir/content

۳- تغییر در محتوای برنامه های تلویزیونی در راستای دگرگونی الگوی مصرف کنونی .

۴- دگرگونی در فرهنگ مصرفی در راستای ضد ارزش تلقی شدن مصرف کالاها و خدمات خارجی.

۵- افزایش حقوق گمرکی واردات کالاها، مواد، قطعات، ماشین آلات و تکنولوژی به گونه ایی که گزینش استفاده از تولیدات داخلی افزایش یافته و امکانات تولید داخلی بیشتر فراهم شود. دخالت دولت در قیمت گذاری کالاها تا حدی که کالاهای تجملی بویژه وارداتی گران به دست مصرف کننده آن برسد نیز، ضروری است .

۶- اتخاذ سیاستهایی که ایرانی خود را باور کند و در این مورد، مسئولیت اساسی با دولت است که در انجام وظایف خود به پرورش افراد شایسته و ایجاد سازمان ها و نهاد های مناسب، یاری رساند و شرایط لازم چنین امری را فراهم سازد^۱.

۲-۳- حمایت از قشرهای محروم و کم درآمد.

قشرهای محروم و فقیر و کم درآمد، که گران شدن یک جنس فوراً در زندگی شخصی شان اثر می گذارد، باید تحت حمایت و پوشش قرار بگیرند. این را عرض میکنیم تا مسئولین مسائل اقتصادی و بخش های مختلف اقتصادی و کسانی که کار و تولید در اختیارشان است، روی این قضایا درست فکر کنند و این قشرهای آسیب پذیر و به اصطلاح مستضعفین و محرومین و کم درآمد ها، به نحوی کمک شوند، تا انشاءالله این ملت بتواند اقتصاد را شکوفا کند^۲.

^۱ . ابراهیم، رزاقی، الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، چاپ اول، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۴، ص ۹۰

^۲ . تدوین و تنظیم: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، اقتصاد و عرصه اقتصادی از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تهران، ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵

۳-۳- تولید محصولاتی که قابلیت رقابت در بازارهای جهانی را داشته باشند.

چیزی را به بازار خواست بشر در سطح جهان عرضه کنید که چشمها را به طرف شما بگرداند و به آن احساس احتیاج کند. فقط ادعا نباشد. در این میدان باید واقعا عمل باشد. این هم یک شرط است.^۱

۳-۴- تکیه بر متفکران و اقتصاد دانان داخلی

دستگاههای علمی کشور به کمک اقتصاد کشور بیایند. متفکرین دانشگاهها بیایند و برای دولت کار کنند. دولت تکیه بر متفکرین و علمایی کند که در دانشگاهها هستند و درس میخوانند. خیال هم نکنند که تحقیق و حذف فلان متفکر اروپایی که چیزی گفته، همیشه همین است. امروز چیزی می گویند و بیست سال دیگر، ده سال دیگر، پنج سال دیگر، یک نفر عالم دیگر می آید و آن حرف را باطل میکند و حرف دیگری می زند. چرا ما عادت کرده ایم هر چه غربی ها گفتند، بی قید و شرط قبول کنیم و دست روی دست بگذاریم و از آنها گوش کنیم و بپذیریم؟ شما باید درستش را پیدا کنید. اقتصاد دانان کشور ما باید آنچه را که با اوضاع سرزمین ما، با عقاید ما، با خصوصیات مملکت ما و متناسب با مسائل اقتصادی ماست، پیدا کنند.^۲

نتیجه:

با توجه به خطیر بودن این تهاجم و نامحسوس بودن آن باید با در پیش گرفتن این تدابیر مختلف با دشمنان مقابله کرد.

^۱ . همان، ص ۱۲۴

^۲ . همان، ص ۱۲۵

نتیجه کلی

دشمن پس از ناامیدی از روش نظامی که هزینه و مشکلات فراوانی نیز داشت، برای تسلط بر ملل اسلامی به جنگ نرم روی آورد این روش به دلیل نامحسوس بودن موفقیت و پیروزی بیشتری به ارمغان می آورد و با استقبال آحاد جامعه همراه است. دشمن با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله ماهواره، مطبوعات و شبکه های گسترده ی اجتماعی سعی بر این دارد که فرهنگ غلط خود را وارد جامعه ی اسلامی نماید و مخصوصا جوانان را از اعتقادات و ارزش های ملی دور کند که تا حدودی توانست در این مسیر به اهداف شوم خود برسد، و باعث ترویج بی حجابی و فساد و ابتذال گردد. علاوه بر این باعث بدبینی مردم نسبت به انقلاب و ترویج تفکر سکولار شده و سعی برگسستن پیوند مردم با ولایت فقیه می نماید. و از لحاظ اقتصادی نیز در صدد ضربه زدن به جامعه است.

فهرست منابع

۱. ابراهیم زاده، حسن، غرب شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹
۲. احمدی، زارع درخشان، همازاده ایبانه، مجتبی، ابوذر، حسین، از تهاجم فرهنگی تاجنگ نرم، چاپ دوم، بی جا، انتشارات کیهان، مرداد، ۱۳۸۹
۳. آذربخش، علی محمد، درآمدی بر نقش رسانه ها در جریان سازی، قم، انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، کتابخانه دیجیتال قائمیه، ۱۳۹۲.
۴. بندر ریگی، محمد، فرهنگ بندر ریگی، ج ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی، سال ۱۳۷۸
۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، نقشه ی نقشه بر آب، چاپ هفتم، انتشارات انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۹۱
۶. توکلی، محمد، گلبرگ امین (مجموعه بیانات مقام معظم رهبری)، ج ۴، چاپ دوم، بی جا، انتشارات نگین سبز، زمستان ۱۳۸۸.
۷. جعفرزاده، محمدحسین، منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهیه و تنظیم مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر، چاپ دوم، قم، انتشارات ولاء منتظر، بهار، ۱۳۹۲
۸. جنیدی، رضا، تکنیکهای عملیات روانی و شیوه های مقابله، ویراسته ی مهدی حاتمی نژاد، چاپ دوم، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی به نشر، ۱۳۸۹.

۹. جمعی از نویسندگان اداره سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بصیرت پاسداری، چاپ اول، مرکز چاپ حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دی ماه ۱۳۸۷.
۱۰. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، چاپ ۵، تهران، انتشارات سروش، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، کتابخانه دیجیتالی قائمیه، ۱۳۸۹.
۱۱. حسینی، صدیقه، اهداف فرهنگی در جنگ نرم رسانه ای، قم، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، کتابخانه دیجیتال قائمیه، ۱۳۹۲.
۱۲. رزاقی، ابراهیم، الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، چاپ اول، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۴.
۱۳. رضایی، پیشوایی، مریم، فریده، قاب جادو (آسیب های تلویزیون و اینترنت در غرب)، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲.
۱۴. رنجبران، داود، جنگ نرم، چاپ هفتم، تهران، ناشر: ساحل اندیشه، زمستان ۱۳۸۸.
۱۵. سقازاده، کریم خانی، محمد، حمزه، هجوم خاموش، چاپ هشتم، قم، انتشارات عطر یاس، ۱۳۹۱.
۱۶. شیروودی، مرتضی، جهانی سازی در عرصه فرهنگ و سیاست، چاپ اول، قم، ناشر: زمزم هدایت، زمستان ۱۳۸۶.
۱۷. صفاتاج، مجید، صهیونیسم و رسانه، چاپ دوم، تهران، انتشارات: سفیداردهال، تابستان ۱۳۸۸.
۱۸. طاهری بنچناری، میثم، فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، زمستان ۱۳۸۸.
۱۹. طهماسبی، احمد، شبیخون فرهنگی، چاپ هفتم، بی جا، انتشارات یاقوت، سال ۱۳۱۹.

۲۰. عبدی، گودرزی، عباس، محسن، تحولات فرهنگی در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات روش، ۱۳۷۸.

۲۱. فیروزی، عباس، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، بی جا، ناشر: شکوفه یاس، بهار ۱۳۸۹.

۲۲. کریمی، سعید، رسانه ها و راههای تقویت مشارکت مردم در صحنه های سیاسی و اجتماعی، تهیه: مرکز پژوهش اسلامی صداوسیما، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲.

۲۳. ماه پیشانیان، مهسا، بسترهای اجتماعی و فرهنگی در جنگ نرم، شماره ۵۰، بهار ۱۳۹۰.

۲۴. متفکر، حسین، جنگ روانی، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، چاپ چهارم، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۷.

۲۵. مریجی، شمس الله، عوامل مؤثر در انحراف از ارزش ها، چاپ دوم، بی جا، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ناشر: دفتر عقل، ۱۳۸۷.

۲۶. مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، مصرف در دنیای امروز (برگزیده مقاله های ماهنامه سیاحت غرب با موضوع مصرف)، چاپ اول، قم، ناشر: دفتر عقل، ۱۳۸۸.

۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، تهاجم فرهنگی، چاپ ۶، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، پاییز ۱۳۸۰.

۲۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، چاپ ۲۵، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸.

۲۹. معاونت سیاسی نمایندگان ولی فقیه در قرارگاه ثارالله تهران، نفوذ و استحاله، چاپ دوم، تهران، ناشر معاونت سیاسی نمایندگان ولی فقیه در قرارگاه ثارالله، بهار ۱۳۷۸.

۳۰. منطقی، مرتضی، بازی های ویدیویی - رایانه ای، چاپ دوم، تهران، ناشر: عابد، بهار ۱۳۸۷

۳۱. نویسنده مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، تهاجم فرهنگی: ویژه نامه نشریه مکتب جبهه، تهران، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نمایندگی ولی فقیه، مرکز فرهنگ معاونت سپاه، سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۸

۳۲. مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، اقتصاد و عرصه اقتصادی از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تهران، ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۱.

۳۳. هانتینگتون، ساموئل پی، چالش های هویت در آمریکا، مترجمان (محمدرضا، گلشن پژوه، حسن، سعید کلامی خیابان، عباس، کاروان)، چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، خرداد ۱۳۸۸.

مجلات:

۳۴. فرزانه، امیرحسین، مجله تهاجم فرهنگی یا تهاجم ناهنجاری های اجتماعی؟، شماره ۷۶، خرداد ۱۳۷۶.

۳۵. ماه پیشانیان، واحدی فر، عباسیان، مهسا، سعید، حسین و...، جنگ نرم (مجموعه مقالات برگزیده همایش)، چاپ اول، مشهد، انتشارات زلال اندیشه، فروردین ۱۳۹۰، ص ۸۷
سایت ها:

۳۶. ره توشه راهیان نور، ۱۳۹۴ www.balagh.ir/content

۳۷. قلی، امیر رضا، مبانی و ویژگی های تهاجم فرهنگی، ۹۵/۹/۲۰، بازدید ۹۵/۷/۲۷

iranfarhang.parsiblog.com

۳۸. نیکونژاد، محمد یکشنبه ۹۵/۸/۲، سایت **www.vista.ir/article**

۳۹. **www.eslamabadkhabar.ir/not**

۴۰. **www. Fararu.com/fa/n**

۴۱. **www. Harfelor.ir/fa/news**

۴۲. **iranfarhang.parsiblog.com**